

مولف: مسعود رضایان عطار

نام کتاب: رجوع همزاد

تألیف: مسعود رضائیان عطار

ناشر: ادبستان

حروفچینی: آتنا

لیتوگرافی: آرین

چاپ: زحل چاپ

صحافی: تماشا

نوبت چاپ: اوّل ۱۳۷۷

تیراژ: ۳۰۰۰

مرکز پخش: نشر و پخش آیلار

روبروی دبیرخانه دانشگاه تهران ساختمان ۱۴۵۴ طبقه سوم

تلفن: ۶۴۰۹۴۰۸

قیمت: ۲۰۰۰ ریال

شابک ۸-۷-۹۱۴۲۸-۹۶۴

I.S.B.N. 964-91428-7-8

فهرست مطالب

فهرست مطالب

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمْ

اَلْحَمْدُلِلّهِ رَبِ العالَمِينْ وَالْصَلاةُ وَالسَّلامُ عَلی سِیدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدْ وَ آلِهِ الطاهِرِينْ و لَعْنَتهُ عَلی اَعْدائِهِمْ اَجمَعِینْ اِلی یَومِ الْدِینْ

هر آنکس که دلش زنده نیست به عشق بر او نمرده به فتوای من نماز کنید

«حافظ»

مقدمه:

پروفسور لیت ویت استاد فیزیک دانشگاه سلطنتی لندن اینطور بیان می‌کند:

از تمامی پیچیدگی‌های طبیعت مشکل‌ترین و دوردست‌ترین آنها فضاست، زیرا فضا خودش ساختمانی دارد که بر روی شکل هر موجود زنده‌ای اثر می‌گذارد، گفتن اینکه فضا ساختمان دارد کمی عجیب به نظر می‌رسد، زیرا معمولاً ما فضا را چیزی شبیه هیچ می‌دانیم، که فاقد ساختمان است، ما دربارهٔ فضا خلاء جای خالی را تصور می‌کنیم، مانند بخش غیرفعال برای نقش زندهٔ چیزهای مادی. هر چند معلوم شده که آنچه را که هیچ در برگرفته چندان هم غیرفعال نیست. هیچ ساختمانی دارد که خواست واقعی چیزها را برآورد می‌کند، هر شکل، هر شیئی هر موجود زنده با تطبیق ساختمانی که فضا ابراز می‌کند بهائی برای وجودش می‌پردازد.

از آنجائی که مغزها و ادراک‌ها مناسب با این فضای خود ما دگرگون شده است، در نتیجه ما قادر به دیدن فضاهای دیگر نیستیم، ولی با تفکر، تصور ریاضی از آنها داریم، و متوجه شده‌ایم که فضاهای دنیای بسیار کوچک ما دنیای اجزاء اساسی و دنیای بزرگ در میزان کیهانی به عنوان کل کاملاً از فضایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، متفاوت است.

دانشمندان فیزیک کوآنتومی ابعاد دیگری را در این جهان کشف کرده‌اند، امّا ابعاد این دنیا متفاوت و متنابه بوده و در شعور آدمی نمی‌گنجد. بسیاری برای تسخیر و یا پرواز روح، صرفاً برای اینکه شوق و علاقه داشته و کنکجاو می‌باشند، بدون در نظر گرفتن قوانین و اصول این راه و بدون استاد، دست به تسخیر، یا اشکال مختلفهٔ پرواز روح می‌زنند که عواقب ناگواری برای آنان دربرداشته و خواهد داشت. و نه تنها نمی‌توانند که موفق شوند، بلکه بعدها بایستی که زیر نظر استاد این مشکلات را از خود دور سازند.

شما در نظر بگیرید که می‌خواهید به خانهٔ دوست یا همسایه خود بروید، با اینکه شما در خانه‌ای مهمان هستید، آیا برای وارد شدن به این منازل، ورود خود را اطلاع نمی‌دهید، و تعارفات معموله را انجام نمی‌دهید، پس نتیجه می‌گیریم که برای اعمال تسخیر و پرواز روح هم اصول و چهارچوبی وجود دارد، که باید طبق این قوانین دست به این اعمال زد، وگرنه باید که منتظر عواقب آن باشید. باید که دور از خودخواهی و تکبر عمل کنید، بایستی که نترسید، امّا اطاعت و احترام به اصول و قوانین ترس نیست.

بی‌پیر مرو به میکده باز　　　　حتی که سکندر جهانی

والسلام

مسعود رضائیان عطار

فصل اول – مغناطیس شخصی

خواسته‌های آدمی چگونه و به چه شکلی می‌تواند در کوتاهترین زمان برآورده شود؟ قبل از هر چیز آدمی باید قدرتها و نیروهای درونی خود را شناسایی کند، هر آدمی که طالب بدست آوردن همزاد باشد باید در مورد علوم الهی تجربهٔ کافی و جامع داشته باشد و در رابطه با مسمریزم ، هیپنوتیسم ، مانیتیسم ، تسخیر جنّات و احظار ارواح دارای اطلاعات و تجارب کافی چه از نظر تئوری و چه از نظر عملی باشد و با اجازهٔ استاد دست به عمل تسخیر همزاد بزند.

بعد از اینکه همزاد را تسخیر کردید بنابر خواستهٔ خود می توانید هر کاری که می‌خواهید انجام دهید و هر طور که مایل باشید عمل کنید.

مغناطیس شخصی:

مغناطیس شخصی ارتباط تنگاتنگ با جاذبهٔ درونی آدمی دارد، این جاذبهٔ درونی در عین شگفت‌انگیز بودن بی‌نهایت لطیف می‌باشد و با چشم قابل رؤیت نیست. این یک احساس فطری و درونی است که در هر موجود زنده‌ایی محسوس می‌باشد تا جایی که می‌توان گفت یک قدرت بسیار عجیب و شگفت‌انگیز که از دیگر قدرتهای آدمی مستثناست بنحوی که زبان از گفتن آن ناتوان و قلم از وصف آن عاجز می‌باشد.

تمامی کارهای دنیا زیر اثر این قدرت صورت می‌گیرد، این قدرت (مغناطیس شخصی) در تمام موجودات زنده به یک شکل و یکسان وجود دارد.

بکارگیری صحیح از این قدرت، در شخص باعث بوجود آمدن نیروی جاذبه‌ایی می‌شود که اثر آن در ذهن و چهرهٔ شخص مشهود خواهد شد.

؟ بدست آوردن این قدرت و قوی کردن نیروی جاذبهٔ شخصی کار آسانی

نیست ولی این بدان معنا نیست که دست‌یابی بدان غیرممکن می‌باشد. برای بدست آوردن این نیرو آدمی باید از خودشناسی شروع کند، تزکیه نفس را بطور دقیق و جدی عمل نماید بطوری که بر طبق قاعده و نظم و ترتیب انجام شود. آدمی چگونه می‌تواند قدرت جاذبهٔ شخصی را در خود پرورش داده و این قدرت از کجا می‌آید؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال باید کمی به خود بیندیشید (درون)، زیرا درون هر شخصی ذات آن شخص است، آدمی می‌تواند با سعی و تلاش این قدرت را در درون خود بارور ساخته و آن اعتماد به نفسی را که طالب آنست بدست آورد. طبق یک حکایت قدیمی: روزی مردی نزد عارفی خردمند رفت تا رمز قدرت و اسرار شگفت‌انگیز او را بیاموزد، عارف خردمند او را لب دریاچه‌ای صاف و زلال برد و از وی خواست تا زانو بزند، آنگاه آنجا را ترک کرد و آن مرد را در آنجا تنها گذاشت تا به انعکاس تصویر خود در آب خیره شود.

آن چیز که من می‌دانم تو هم می‌توانی فرا بگیری، آن چیز که من می‌بینم تو هم می‌توانی ببینی، آن کاری که من می‌توانم انجام دهم تو هم خواهی توانست فقط باید بخواهی و در این رابطه سعی و تلاش بنمایی.

در دنیا از این افراد زیاد هستند که حس می‌کنند به هر کاری دست می‌زنند در آن موفق خواهند شد و همین‌طور هم می‌شود، با کمی سعی و تلاش در هر کاری موفق بوده و آن کار را به اتمام می‌رسانند و مشکلات و موانع را یکی پس از دیگری از سر راه بر می‌دارند و می‌توانند با نیروی جاذبهٔ خود بر افراد دیگر نیز تأثیر بگذارند. این افراد بطور ذاتی دارای این نیرو می‌باشند ولی خود از داشتن آن نیرو در وجود خود بی‌اطلاعند.

باید سعی کنند این نیرو را شناخته و زیر نظر استاد این نیرو را در خود پرورش دهند و در نهایت از این نیرو استفادهٔ صحیح برده و به درجات بالای

معنوی رسیده و در تمامی ابعاد زندگی موفق باشند.

لازمهٔ جاذبهٔ شخصی و پرورش آن اعتماد بنفس و قدرت ارادهٔ قوی در شخص می‌باشد، همچنین شخص باید از نظر جسمی و دماغی کامل باشد، با داشتن اعتماد به نفس و ارادهٔ قوی در کنار تندرستی جسمی، فرد به درجات بالایی از مغناطیس شخصی خواهد رسید. این یک قدرت زنده و نمایان می‌باشد که در درون هر شخصی وجود دارد و تأثیرات این نیرو از شخص، به دیگران نیز اثرگذار خواهد بود.

آفتاب و دیگر ستاره‌ها و سیارات نیز دارای این نیرو بوده و این نیرو از آنها ساطع می‌شود، از ساطع شدن این نیرو درختان و گیاهان شکفته شده و سرسبزی و طراوات را برای ما به ارمغان می‌آورند.

هر جانداری دارای این نیروست، این نیرو نه تنها بر روی افراد اثر می‌گذارد بلکه بر روی اشیاء نیز تأثیر می‌گذارد.

افرادی که مایلند در زندگی بنحو احسن موفق باشند، می‌بایست این نیروهای مخفی را در خود (درون) شناسایی کرده و بطور صحیح از آن استفاده کنند.

زندگی حقیقی و اصلی

بنده امیدوارم که خوانندگان عزیز اکنون متوجه این امر شده باشند که در درون هر یک از آنها قدرت مغناطیسی شخصی وجود دارد، پس بر شما لازم است که این قدرت مخفی درونی را تربیت کرده و آن را در وجود خود پرورش دهید تا بتوانید از این قدرت عظیم در راه یک زندگی مطلوب بهره برده و به درجات بالایی از معنویات نائل گردید.

لازمهٔ اعتماد بنفس:

آدمی نباید به هیچ وجه شک و شبه‌ایی در این مورد به خود راه دهد و به نیرویی که در درون خود دارد اعتماد داشته باشد و با تمامی وجود سعی کند که این نیرو را در خود شناسایی کند و برای پرورش آن تلاش نماید تا بتواند بطور کامل از نیروی خود استفاده کند.

در این کار آدمی باید صبر و تحمل پیشه کند و چنانچه با سختی و مشکلی روبرو شد ناامید نشود و کم‌کم این نیرو را در خود پرورش دهد، بعد به مرور حس خواهد کرد که این نیرو در وجود او نمایان گشته و خود را نشان خواهد داد و بعدها در چهره و دیگر اعضای شخص قابل رؤیت خواهد بود.

لازمهٔ اعتماد بنفس یقین داشتن همراه با سعی و تلاش می‌باشد، باید برای تمام حرکات خود اعم از نفس کشیدن، صحبت کردن ، حرکت کردن و ... برنامه‌ریزی کرده و روی اصول صحیح به آنها عمل نمائید.

باید بتوانید به هر شکلی که می‌خواهید حرکت کنید، باید حرکات قلب خود را به کنترل خود درآورید، حرکات جسم شما باید با قلب شما هماهنگی کامل داشته باشد و بطور همزمان این ارتباط با مغز کامل گردد.

آنگاه خود احساس خواهید کرد افکار خود را انتقال داده و یا افکار دیگران را فهمیده (تله‌پاتی) و بعد از به کنترل درآوردن تمامی حرکات خواهید دید که در قلب شما یک مرکز کشش ایجاد شده و شروع بعمل می‌کند.

« این همان نیروی جاذبهٔ شخصی یا بعبارتی مغناطیس شخصی است ».

اعتماد بنفس چگونه ظاهر خواهد شد

باید برای خود یک برنامه‌ریزی درست و اصولی داشته باشید و بعد از به کنترل درآوردن تمامی حرکات خود، یک برنامهٔ ورزشی را بطور مداوم و پیگیر

دنبال کنید، در این مورد می‌توانید از حرکات «یوگا» که برای تقویت جسم و روح مفید می‌باشد استفاده نمائید و اولین گام را برای آماده ساختن خود بردارید. اگر عادت به چیز ناپسندی دارید باید سعی در ترک آن داشته باشید، هر مسئله غیر منتظره‌ایی که قرار است برای شما پیش بیاید با صبر و شکیبایی و شجاعت با آن مقابله کنید و مطمئن باشید که خطری شما را تهدید نمی‌کند.

پس ⇐ ۱ـ ترک عادت زشت و ناپسند.

۲ـ ورزش کردن و داشتن شهامت و شجاعت.

طریقهٔ تنفس صحیح را فرا گرفته و تمرین کنید «یوگا» علم تنفس تأثیر به سزایی در این مورد دارد. در مشرق زمین به این علم - مشق ضبط نفاس - می‌گویند. این علم و تمرینات جانبی آن برای بدست آوردن مغناطیس شخصی بسیار مهم و ضروری است.

به مرور زمان باید خود را به طرق مختلف مورد آزمایش قرار داده و میزان اراده و اعتماد بنفس را در خود بسنجید، بعنوان مثال: در زمستان باید بتوانید از آب سرد استفاده کنید و از زدن تن خود به آب نهراسید چرا که شما قادر به کنترل حرکات بدن خود خواهید بود، همچنین باید در مورد گرسنگی و تشنگی نیز خود را مورد آزمایش قرار دهید تا میزان طاقت خود را سنجیده با انجام مداوم این تمرینات و تمرینات مشابهه بعد از مدتی احساس می‌کنید که دارای مغناطیس شخصی هستید، دیگران زمانی که با شما دست می‌دهند احساس می‌کنند که شما دارای الکتریسیته می‌باشید، تمام بدن شما دارای نیروی خاصی خواهد شد شما با چشمها و دستهایتان می‌توانید نیرو ساطع کنید.

«باید به درجه‌ایی از ارتقاء برسید که از انرژی معنوی بجای انرژی مادی استفاده کنید. برای غذا، آب، هوا و هر چیز دیگری از انرژی معنوی استفاده کنید؟»

برای تمرین صحیح تنفس می‌توانید در یک اتاق روزی یک ساعت در طول سه ماه بطور مداوم این عمل را «تنفس» تمرین کنید و فکر خود را به یک نقطه متمرکز کرده و از سورهٔ شریفهٔ اخلاص «توحید» نیز کمک بگیرید.

می‌توانید این سورهٔ شریفه را برای ازدیاد نیرو و داشتن حفاظ تلاوت کنید بعد از انجام این تمرینات به مرور متوجه این نیرو در خود خواهید شد.

*لازم به تذکر است که این عمل بوسیله تلاوت سورهٔ اخلاص مختص مسلمانان است و برای دیگرادیان طریقهٔ دعاجداگانه می‌باشد.

در روایتی در باب سورهٔ اخلاص یا توحید آمده: هر کس سه بار این سورهٔ مبارکه را تلاوت کند ثواب ختم قرآن را خواهد برد.

همچنین آمده: هر کس این سورهٔ مبارکه را ۱۱ بار تلاوت کند روزی آن روز خود را خواهد برد و هر کس در قبرستان این سورهٔ شریفه را تلاوت نماید ثوابش بیشمار است.

فصل دوم - اجتماع قدرت

بزرگترین خواسته و تمنّای آدمی کسب قدرت و بدست آوردن آن چیزهایی است که دل طالب آنست.

اگر نظری گذرا به جریان الکتریسیته بیاندازیم متوجه می‌شویم که برق دارای ۲ فاز مثبت و منفی می‌باشد که باید بطور دقیق و فنی مورد استفاده قرار گیرد و تحت کنترل باشد و عدم آگاهی از بکارگیری آن اثرات مخربی ببار خواهد داشت.

نیروی آدمی نیز بهمین شکل است، هر شخصی دارای عواطف و احساسات می‌باشد و باید که این احساسات و عواطف تحت کنترل شخص باشد تا به هر شکلی که می‌خواهد از آن استفاده کند، اگر این نیروها تحت کنترل آدمی نباشد و در مسیر منفی مورد استفاده قرار گیرد نه تنها مبدل به یک شکل درهم و بی‌نظمی می‌شود بلکه باعث تضعیف نیروی مغناطیسی شخص خواهد شد.

اگر احساسات و عواطف شما در کنترل خودتان باشد و هر چیزی که بنظر درست و پسندیده می‌آید عمل شود و قدم در راه درست و اعمال پسندیده بگذارید می‌توانید در تمامی ابعاد زندگی موفق باشید و اگر غیر از این عمل کنید طبعاً روشن است که چه خواهد شد.

این راه را خیلی آسان و هموار تصور نکنید، بلکه راهی است دشوار و ناهموار و هر کسی نمی‌تواند قدم در این راه بگذارد و شخص باید مرد عمل باشد.

اگر راه درست را انتخاب نموده و از هرگونه لغزش و خطایی پرهیز کنید قاعدتاً موفقیت با شماست ولی چنانچه عکس این را دنبال کنید متأسفانه راه را اشتباه رفته‌اید و چنانچه هدف شما از فراگیری این علم بدست آوردن نیرو و کسب قدرت برای اهداف شخصی، و هوی و هوس باشد با شکست روبرو شده و متحمل

ضرر و زیان فراوانی هم در این دنیا و هم در آخرت خواهید شد.

«هر که دارد سر همراهی ما بسم‌الله»

در این راه باید از هرگونه شک و تردید و یأس و ناامیدی پرهیز کنید زیرا شما را از موفقیت دور می‌کند.

در رابطه با تمرین و عملیات خود با کسی صحبت نکنید و این باید مثل یک راز باشد به مرور می‌توانید پیشرفت را در خود مشاهده کنید مثلاً

می‌توانید افکار دیگران را بخوانید، یا افکار خود را به دیگران منتقل کنید، از اسرار دیگران با خبر شوید حتی از راه دور، روح خود را به جای دیگری فرستاده و از هر کس و هر چیزی که می‌خواهید با خبر شوید ولی همیشه در خاموشی و سکوت.

«گرخواهی صاعقه برانگیزی یک عمر خاموشی گزین»

اگر کسی در مورد علم یا هنر خاصی به درجه‌ایی از موفقیت برسد که در آن علم تبلور و مهارت کسب کند تا جایی که حتی شهرت جهانی بدست آورد، چنانچه در بکارگیری آن درست عمل ننماید و مغلوب غرور و تکبر گردد و در برخورد با دیگران خودنمایی کند، نه تنها تمام زحماتش زائل گشته و عمر خود را بیهوده تلف کرده بلکه از ارزش معنوی این علم نیز کاسته خواهد شد.

تمامی حرکات ما باید تحت کنترل باشد، نیروی ما دارای دو قطب مثبت و منفی است که کنترل آن باید در اختیار ما باشد تا بتوانیم از این طریق رضایت خاطر دوستی اطرافیان را جلب کرده و از هرگونه کینه و دشمنی دو طرفه بپرهیزیم. با رازداری و در اختیار گرفتن نیروهای خود وکنترل احساسات نه تنها شما حقیر نخواهید شد بلکه عزت و احترام شما نزد همگان آشکار خواهد شد.

در ضمن با نگهداری نیروهای خود در پرده و کنترل آن نیروها، نیروی شما بیشتر شده و شما نزد همه عزیز و محترم خواهید شد.

با متانت، صبر، شکیبایی و اراده ، قدرت خود را حفظ کرده و این قدرت عجیب را برای خواسته‌های نفسانی دل و دنیای مادی بکار نگیرید.

از هرگونه حرص و طمع اجتناب بورزید و هرگاه دیدید که نمی‌توانید برخلاف خواسته‌های دل عمل کنید، فوراً در سکوت ۶ بار نفس عمیق کشیده و سعی کنید به یک موضوع مطلوب فکر کنید و فکر خود را متمرکز آن موضوع نمائید، و از افکار پوچ و بیهوده دوری نمائید، زیرا نه تنها باعث تضعیف نیروی شما می‌شود بلکه باعث بروز مسائل و مشکلات دیگری هم خواهد شد پس مراقب باشید.

فصل سوم – تمرکز

تمرکز یا عمل تمرکز کار چندان مشکلی نیست، تنها با کمی تمرین و ممارست به نتایج مطلوبی دسترسی پیدا خواهید کرد.

ابتدا باید توجه داشته باشید که هنگام تمرکز باید تنها به یک چیز فکر کنید، دوّم اینکه هنگام تمرکز هر چیزی ، به چیز دیگری فکر نکنید و این عمل نه تنها باید با فکر توأم و همراه با دل و قلب نیز باشد این عمل را (تمرکز) می‌نامند.

باید توجه داشت که تمرکز دارای دو حالت ارادی و غیرارادی می‌باشد، کسانی که دارای ارادهٔ ضعیف می‌باشند باید با تمرین تمرکز و توجه به یک چیز این اراده را در خود تقویت نمایند تا به نتایج بهتری نائل گردند.

هر کس بتواند به این مرحله از موفقیت برسد نه تنها تمام ناراحتیها و نگرانیها را از خود دور می‌سازد بلکه فکر او راحت و قلبش آرامش خواهد داشت. پس ناامید نشوید سعی کنید کار را با جدّیت دنبال کرده و تقلب نکنید، مطمئن باشید موفقیت با شماست اگر با احتیاط لازم دست بعمل بزنید شما می‌توانید این عمل را در مورد یک شئی امتحان کنید و با تمرکز به این شئی یا جسم مورد نظر عمل خود را شروع کنید. بهترین راه این است که فکر خود را روی چیزی متمرکز کنید که مورد علاقهٔ شماست و در دل به آن عشق می‌ورزید.

فکر کردن یک محرک خوب برای رسیدن به این قدرت عظیم می‌باشد، برای تمرکز خود یک نقطهٔ مرکز قرار دهید و دست بکار شوید و در هنگام تمرین در این اندیشه باشید که به هر کاری که انجام می‌دهید برای رضایت خداوند تبارک وتعالی می‌باشد و لاغیر، هر چیزی بر شما ظاهر شود این (وحی یا الهام) میباشد. در میان ارادهٔ انسان و خداوند یک زنجیر یا یک نقطهٔ اتصال می‌باشد که این اراده‌ها با هم ملاقات خواهند کرد، این اراده واحدالوجود و جهانگیر می‌باشد لاکن

جایگاه و ارتقاء، و شایستگی، بستگی به صفات و لیاقت شخص دارد.

در قلب آدمی اعلی‌ترین جوهر اراده وجود دارد، با ارادهٔ قوی، و قدم نهادن در راه درست آدمی به قرب یزدان خواهید رسید و به درجهٔ انسانیت نائل خواهید گشت، البته آدمی باید با ریاضت و نهایت هوشیاری و احتیاط لازم نیروهای مخفی در درون خود را شناخته و برای باروری آن بکوشد و در راهی درست از آنها استفاده نماید این همان وحدانیت یا یزدانیت است با ترک انانیت.

با رسیدن به این درجه آنچه که تو می‌خواهی خداوند به تو خواهد داد. در رابطه با اراده صحبت فراوان است ولی آنچه مسلم است ، اراده رابطهٔ نزدیکی با خواسته‌های دل دارد و باید افسار و عنان آن در اختیار آدمی باشد، در این صورت موفق بوده و به نتیجهٔ مطلوب خواهید رسید.

اراده دارای سه قسمت می‌باشد:

۱ـ خواستهٔ دل

۲ـ اختیار

۳ـ ارادهٔ انجام دادن

۱ـ قبل از اراده خواستهٔ دل است که اراده با آن متحرک میشود.

۲ـ هر خواسته‌ایی که دل داشته باشد فوراً آماده می‌شود، برای رسیدن به آن خواسته، این عمل ارادهٔ عملی است.

۳ـ این فکر و خواهش هر چیزی که باشد فوراً می‌خواهد به آن رسیده و آن را بدست آورد.

خواستن یک احساس یا بعبارتی یک احساس عشق می‌باشد و عشق همان زندگی است. یک معمار یا بنا هنگامی که می‌خواهد ساختمانی را بنا کند، در درجهٔ اول احتیاج به ابزار کار و وسایل دارد، در درجهٔ دوم مصالح مورد نیاز برای ساختن ساختمان مورد نیاز است که هر یک از اینها مکمل یکدیگر می‌باشند و

فقدان یکی باعث نقص در کار می‌شود.

پس شما هم برای وارد شدن به یک دنیای روحانی احتیاج به ابزار و لوازم دارید که تمام اینها در وجود خود شماست. در دل شما و فکر شماست، باید این نیروها را شناخته از هم تفکیک کرده و تحت اختیار خود بگیرید، و بعد با هوشیاری و احتیاط کامل قدم در این وادی بگذارید.

برای قدم نهادن در این وادی آدمی احتیاج به یک روح پاک و صیقل شده دارد، تا بتواند به نتیجهٔ مطلوب برسد در این صورت آدمی موفق بوده و به انسانیت خواهد رسید و در غیراینصورت جز تباهی ، چیزی در سر راه نخواهد داشت.

برای وارد شدن در این راه کلاً باید خود را پاک کنید، پاک ببینید، پاک بیاندیشید، کردار و گفتارتان پاک باشد، دلتان پاک باشد.

منم که شهرهٔ شهرم به عشق ورزیدن — منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن

به می پرستی از آن نقش خود بر آب زدم — که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم — که در طریقت ما کافریست رنجیدن

به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات — بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن

عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس — که وعظ بی‌عملان واجب است نشنیدن

به رحمت سر زلف تو واثقم ور نه — کشش چو نبود از آن سو چه سود کوشیدن

مراد دل زتماشای باغ عالم چیست — بدست مردم چشم از رخ تو گل چیدن

زخط یار بیاموز مهر با رخ خوب — که گرد عارض خوبان خوشست گردیدن

مبوس جز لب ساقی و جام می حافظ — که دست زهد فروشان خطاست بوسیدن

(حافظ)

اگر توانستید تمام این نیروها را به روشی که گفته شد به کنترل درآورده و به این صورت در تمامی ابعاد زندگی عمل کنید، بعدها این حالت در تمام وجود شما محسوس شده تا جایی که دیگران نیز این موضوع برایشان قابل لمس و رؤیت

خواهد بود. لحظه‌ایی فرا خواهد رسید که به روشن ضمیری رسیده و آنرا در دل و جان خود دیده و به آن ملحق خواهید شد و انسانیت و کمال را بدست خواهید آورد.

جسم شما حکم خانه‌ایی را می‌کند که روح شما در آن جای دارد، دولت، ثروت، مقام، تندرستی، خوشبختی و کامیابی و جوانی و درازی عمر و قدرت و ... اینها چیزیهایی است که هر کس می‌تواند داشته باشد و به آنها فکر کند و تنها با داشتن اینها قلبش آرام بگیرد. به هر حال زمانی فرا خواهد رسید که آرام‌آرام ذات خود را عوض کرده و به ذات برتر دست پیدا کنید، اگر به این قدرت دست یابید با قدرت الهی شریک خواهید شد و به قرب‌الهی چنگ خواهید زد. قدرت انسان در تمامی ابعاد، نامحدود است و نیازی ندارد، اما آدمی قدرتی محدود داشته و نیازمند است. و امّا مجموعهٔ نامحدود، از درون مجموعهٔ محدود بیرون خواهد آمد.

در خاموشی و سکوت کامل و انجام تمرینات مداوم به این قدرت دست خواهید یافت اینجاست که لفظ (اناالحق) مصداق پیدا می‌کند:

«اناالحق می‌زنم الحق که تار و پود من هم شد به حق ملحق»

رسد آدمی بجایی که به جز خدا نبیند   بنگر که تا چه حد است مقام آدمیّت

بعد از این در شما حالتی ایجاد خواهد گشت که دنیا و مادیات برای شما بی‌ارزش جلوه می‌کند، شما یک احساس برتر و فوق‌العاده در خود خواهید کرد، و حس می‌کنید تمام عناصری که در دنیا وجود دارند تحت اختیار شماست و اگر شما اراده کنید تمامی آنها را بدست خواهید آورد.

قدرت آدمی دارای ۲ بعد «مثبت و منفی» است، که باید بخاطر داشته باشیم از کدام بُعد این قدرت استفاده نمائیم که قدرتی توأم با عشق و محبت داشته

باشیم و همیشه در جهت موفقیت و کامیابی گام برداریم.

با دعای خیر برای تمامی عزیزان اهل دل، امیدوارم در تمام مراحل زندگی وصال به حقیقت و ذات خداوندی موفق باشید و سعی کنید در تمامی جهات بی‌عیب و نقص عمل کنید.

از ره غفلت به گدایی رسی　　　گر به خود آیی به خدایی رسی

فصل چهارم – از عالم اثیری به عالم علّی

لازم دیدم شرح مختصری در مورد نیروهای ارگانیک و نیروهای غیرارگانیک و بعبارتی موجودات مرئی و موجودات نامرئی داده تا اندازه‌ایی این مقوله برای دوستان خواننده روشن شود.

انشاءالله با توکل بر خداوند تبارک و تعالیٰ در مورد هر کدام از موجودات نامرئی جداگانه در آینده کتابی خواهم نوشت.

موجودات نامرئی به ترتیب زیر در عالم وجود دارند:

۱ـ ارواح

۲ـ جنّات

۳ـ موکلین‌الله تعالی (فرشتگان الله تعالیٰ)

۴ـ همزاد

این‌ها موجوداتی هستند که از حواس آدمی مستورند و دارای شعور می‌باشند.

قسمت اول – ارواح

باید به این مسئله توجه داشته باشیم که هر آدمی در شکم مادر زمانی که نطفه به بعد از ۳ ماهگی می‌رسد به حکم خداوند متعال بر این جسم (روح) دمیده میشود و این روح با بچه از شکم مادر متولد شده و تا زمان مرگ آدمی به همراه جسم و در درون آن باقی می‌ماند، بعد از مرگ آدمی، این روح از جسم جدا شده و زندگی جدید خود را شروع می‌کند.

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک   چند روزی قفسی ساخته‌ام از بدنم

لازم به تذکر است که در واقع مرگی وجود ندارد، بلکه یک زندگی جدید برای روح آدمی شروع خواهد شد.

کلاً همه چیز در دنیا زنده و باقی است، خاک، باد ، آتش ، آب همین‌طور تمام اجسام، سیالات، سیارات و عناصر، مرگی برای اینها وجود ندارد بلکه این یک دگرگونی و تغییر شکل بوده زیرا عناصر هم قابل تغییر بوده و هر عنصری را می‌توان به عنصری دیگر تبدیل کرد.

ولی موجودات زنده دارای روح می‌باشند و بعد از اینکه روح از جسم جدا شد به زندگی جدید خود ادامه داده و جسم تغییر شکل خواهد داد.

تمام موجودات زنده اعم از : گیاهان، جانوران، حیوانات، آدمی دارای این روح بوه و تا زمانیکه زنده‌اند روح با آنان بوده و بعد از مرگ از جسم جدا شده و به زندگی جدید خود ادامه داده و جسم هم تغییر شکل داده و تجزیه می‌شود و در واقع زندگی جدیدی را آغاز می‌کند.

ارواح به دو صورت وجود دارند و در همان مسیر به زندگی خود ادامه می‌دهند،تا اینکه.....

۱ـ ارواح طیبّه

۲ـ ارواح خبیثه

ارواح خبیثه هم باید پاک شوند حالا یا در آن دنیا پاک می‌شوند و یا دوباره به این دنیا آمده و در جسم دیگری شروع به زندگی کرده و پاک خواهند شد، در نهایت اینکه همهٔ ارواح پاک خواهند شد. ارواح خبیثه از وابستگی‌های مادی و دنیائی نمی‌توانند دل بکنند، حتی در آن دنیا و این باعث می‌شود که رشد معنوی نداشته و در یک جا متوقف شوند، یا اینکه خیلی کند حرکت کنند. این ارواح در آن دنیا هم با زمینی برخورد می‌کنند.

در یکی از احضارهائی که داشتم از روحی گناهکار سوال می‌کردم که در کجا بوده و چه می‌کند، او می‌گفت: که جایگاه خوبی ندارد و از این وضع ناراحت می‌باشد، و زمانیکه از او سؤال کردم آیا حاضری دوباره در این دنیا زندگی کنی؟ در

جواب گفت: هرگز، اینجا (دنیا) بدتر از شرایطی است که او دارد.

آیت‌الله شهید مرتضی مطهری در یکی از خطبه‌هایش می‌فرمود:

بچه در رحم مادر خون می‌خورد بعد از اینکه بدنیا می‌آید شیر می‌خورد و از خون امساک می‌کند، بعد از شیرخوارگی اول از شیر امساک نمی‌کند ولی زمانیکه لذت غذا را چشید امساک می‌کند.

پس این مسئله مصداق پیدا می‌کند با آن دنیا، آن دنیا تا زمانی که آدمی زنده است می‌ترسد ولی زمانیکه مُرد و رفت در می‌یابد که چقدر شیرین است و چقدر احساس راحتی می‌کند.

آدمی وقتی به دنیا می‌آید گریه می‌کند و اطرافیان او می‌خندند و زمانیکه از دنیا می‌رود اطرافیان او می‌گریند و او می‌خندد. در واقع او از این وضع ناراحت می‌شود و می‌خواهد که به اطرافیان خود بفهماند که چرا گریه می‌کنند؟

آنها باید خوشحال باشند زیرا او راحت است، ولی نمی‌تواند با آنها ارتباط برقرار نماید، زیرا گوش ما با فرکانس صوت روح همخوانی ندارد. تا مدتی به اطراف جسم خود سرگردان می‌چرخد و بعد از اینکه تکلیف جسم معلوم شد مدتی هم در اطراف خانه و جای خود سرگردان است تا اینکه بعد آرام‌آرام بجایی که مقرّر شده خواهد رفت.

تمام عالم از کهکشانها گرفته تا زمین و تمام اجسام و در مجموع همه چیز زنده بوده و هیچ چیز یا کسی نخواهد مُرد، بلکه ماهیت و عناصر آن عوض شده و به شکل دیگری درخواهد آمد، و هیچ زمانی به شکل اول خود باز نخواهد گشت. فقط خداوند تبارک و تعالی عوض نخواهد شد و تغییر نمی‌کند زیرا هیچیک از اینها در ذات او نمی‌گنجد.

در اینجا واقعه‌ایی را که خود شخصاً و از نزدیک شاهد و ناظر آن بودم برایتان بازگو می‌کنم باشد که در تکمیل و صحت این گفتار تأثر واقع شود.

در دسامبر سال ۱۹۹۲ از کراچی پاکستان برای ملاقات چندتن از اساتید علوم غریبه به اسلام‌آباد آمده و در هتل بین‌المللی اسلام‌آباد اتاقی گرفته و چند روزی در آنجا بودم، یکی از روزها با دوستی تصمیم گرفتیم برای دیدن از شهر (راولپندی) و خرید که در نزدیکی اسلام‌آباد قرار دارد برویم. از هتل بیرون آمده و یک تاکسی گرفتیم و بطرف «پندی» حرکت کردیم، مسیر راه به شکلی بود که برای رفتن از اسلام‌آباد به «راولپندی» ماشین باید از محله‌ایی به نام «پیرودهایی» عبور می‌کرد در این محله قبرستانی وجود دارد که به قبرستان «پیرودهایی» معروف است تاکسی به نزدیکی قبرستان که نزدیک شد دیدیم ترافیک سنگینی ایجاد شده بشکلی که ماشین قادر به حرکت نبود بعد از گذشت چند دقیقه‌ایی به دوستم پیشنهاد کردم که پیاده شده و جلوتر سوار ماشین شویم، همین کار را کردیم در قبرستان ازدحام و سروصدای جمعیت توجه ما را بخود جلب کرد به داخل قبرستان رفتیم دیدیم که جمعیت زیادی در آنجاست و گورکنان مشغول کندن گوری می‌باشند یک «مولوی» هم با آنان مشغول صحبت است، مردم می‌گفتند که قبلاً آنان گوری کنده و مرده‌ای که در آنجا بود می‌خواستند بخاک بسپارند که گور جمع شده و مرده را نپذیرفته، ما کنجکاو شده و جلوتر رفتیم، آن صحنه‌ایی که مردم از آن صحبت می‌کردند جلوی چشمان من تکرار شد، مولوی دست به دعا برداشت و به تمام مردم هم توصیه کرد که دعا کنند و به گورکنان گفت که بار سوم جای دیگری را کندند و آنگاه گفت: که دوباره میت را در گور قرار دهند، این بار موفق شدند که میت را در گور قرار دهند ولی ناگهان از اطراف و محوطهٔ قبرستان جانوران موذی (مار، عقرب، موش و ...) سر از خاک درآورده و به طرف گور هجوم بردند و در یک لحظه از جسد جز چند تکه استخوان چیزی بر جای نماند، مردم وحشت زده به هر سو می‌گریختند و من از حیرت در جایم میخکوب ماندم و به این صحنه نگریستم. جانوران بدون گزند به مردم به زیر خاک برگشتند.

«مولوی» رو به مردم کرد و گفت: که ببینید و عبرت بگیرید و دوباره برای آمرزش روح آن میت دعا کرد و از مردم خواست که دعا کنند.

تمام روزنامه‌های وقت پنجاب و دیگر ایالات پاکستان این مطلب را فردای آن روز در نشریات خود بچاپ رساندند.

در سورهٔ شریفهٔ الاسراء آیه ۸۵ چنین آمده

ترا از روح می‌پرسند، بگو: روح ابداع پروردگار من است و شما را از این علم نداده مگر اندکی.

دانشمندان غربی روح را اینطور توصیف می‌کنند:

روح مجموعه و توده‌ای از یک انرژی بسیار قدرتمند است که می‌تواند به اعماق هر چیزی نفوذ کند، و از هر دیواری بگذرد و مسئله زمان و مکان برای آن مانع و رادع نخواهد بود. روح همان جوهر انرژی است که هوش، حافظه، قدرت ابداع و نبوغ ذنی از آن سرچشمه می‌گیرد و سیراب می‌شود و هر جانداری از این جوهر انرژی به تفاوت در وجود خود دارد، و اگر آدمی روح را از قوه به فعل درآورد قادر به انجام کارهای محیرالعقول خواهد بود.

آنچه که بیشترین اهمیت را دارد، زندگی پس از مرگ است، مثل تمامی انرژی‌ها، انرژی ذهنی هم غیرقابل تخریب است، لذا ذهن نخواهد مرد. فقط مغز که ماده است از بین می‌رود. در حقیقت روح ، ذهن فقط به بعد دیگری می‌رود جائی که از محدودیت بدنی آزاد گردد. ما خودمان هنگام خواب یا ترک بدن‌هایمان از محدودیت زمان فرار می‌کنیم.

مرگ آغاز مجموعهٔ زندگی واقعی ماست. و ترس از مرگ به این دلیل است که می‌خواهیم با واقعیت روبرو شویم.

وقتی به دنیا می‌آئیم از کانال تولد عبور کرده و به جائی وارد می‌شویم که روشن است، و افرادی که ما را دوست دارند و به ما خوش‌آمد می‌گویند، مرگ هم

درست به همین شکل است و تولدی دوباره مرگ فنا شدن و به انتها رسیدن نیست، تولدی است به زندگی تازه به مرحله پیشرفته‌تر معنوی، بهشت و جهنم هم در این دنیا و هم در آن دنیا در خود ماست، و این ما هستیم که کدام را انتخاب کنیم. مرگ ناگهان ما را مقدس نمی‌سازد، پس بایستی که خود را برای آن بُعد آماده سازیم، بعضی ارواح برای هدف خاصی به اینجا می‌آیند و وقتی به منظورشان رسیدند ما را ترک می‌کنند. مرگ یک تجربهٔ خوشایند و هیجان‌انگیز است، و هیچ دلیلی برای ترسیدن وجود ندارد. پس نتیجه می‌گیریم که باید خود را برای آن بعد آماده سازید، این آمادگی صرفاً با علم و دانش امکان‌پذیر است، علم و دانشی توأم با خودسازی و تقوی که از عشق و محبت سرشار بوده و در راهی صحیح برای نوع بشر بکوشد.

و همیشه این را مد نظر داشته باشید که در این دنیا همانطور که مسیح (ع) فرمود هر چیز که بکارید، همان را درو خواهید نمود.

بنده در رابطه با احضار روح عملی نمی‌نویسم ، و دلیل آن اینست که با گذشته زندگی کردن درست نیست، کسی که به بعد دیگری سفر کرده او را راحت گذاشته و احضار نکنید و ذهن او را اسیر خودتان نسازید. اگر روح خودش بیاید مسئله فرق می‌کند وگرنه اینکار را نکنید.

آنکس است اهل بشارت که اشارت داند نکته‌ها است بسی محرم اسرار کجاست

«حافظ»

قسمت دوم - جنّات

علامهٔ طباطبائی «قدس سره‌شریف» در کتاب بزرگ المیزان می‌فرمایند:
جن مخلوقی است که خداوند از آن نام برده و آنها از حواس ما مستورند و قرآن نیز توصیفشان کرده، جن قبل از انسان خلق شده و جنسش از آتش و دارای شعور می‌باشد.

در قرآن کریم: هر چیزی که از نظر انسان پوشیده باشد و از چشمها و سایر حواس ما مستور، به این ترتیب شروع میشوند:

مانند: جن، جنت، جنین

در سورهٔ شریفهٔ کهف آیهٔ ۵۰ آمده که:

ابلیس را از جنس جن می‌دانند:

جن هم به دو صورت وجود دارد:

۱ـ جن کافر

۲ـ جن غیرکافر (مسلمان)

عمل تسخیر جنات از سخت‌ترین اعمال بوده و بایستی که حتماً زیر نظر استاد و با اجازه انجام گیرد.

قسمت سوم - ملائکه

هر چیز و هر کس و کلاً، تمامی جانداران و غیر جانداران در این دنیا دارای موکل هستند.

هر صحبتی که شما می‌کنید و هر کلمه‌ای که بزبان می‌آورید دارای موکل است. ملائکه به سه شکل وجود دارند.

۱ـ ملائکه بالا ۲ـ ملائکه سفلی (ارضی) ۳ـ ملائکه عون

ملائکه بر تمامی اعمال و کردار شما ناظرند. و شهادت خواهند داد. ملائکه بر طبق چهارچوب و اصولی که داشته، عمل می‌کنند. و هیچگونه عمل شر، و غیرشرعی انجام نمی‌دهند.

۱ـ ملائکه بالا: ملائکه بالا، ملائکه روحانی می‌باشند، که برطبق چارچوبی که دارند بهیچ‌وجه، کار غیرشرعی و شر انجام نمی‌دهند، و اگر از آنان

بخواهید از پیش شما رفته، و بر شما ظاهر نمی‌شوند.

نام ملائکه بالا در آخر همگی آئیل داشته مانند موکل الف = مساویست با اسرافیل و موکل ب = مساویست با جبرائیل

۲ـ ملائکه سفلی (ارضی): ملائکه سفلی را در آخر نام با طیش می‌خوانیم مانند: لحیطیش - طیهطیش

۳ـ ملائکه اعوان: موکلین اعوان در آخر نام، دارای یوش می‌باشند مانند: موکل الف نام فیویوش و موکل ج نام نویوش دارند.

تسخیر یا احضار موکل بایستی که با اجازه و زیر نظر استاد باشد، بایستی که حتماً چله بنشینید همراه با پرهیز جلالی یا پرهیز جمالی.

هرکس که زکوی آشنائیست   داند که مکان ما کجائیست

قسمت چهارم - همزاد چیست و لغت همزاد چه معنائی دارد

اصلیت و حقیقت همزاد:

هر ذی روح زمانی که خلق می‌شود دارای دو جسم می‌باشد:

۱ـ جسم مرئی   و   ۲ـ جسم نامرئی

بعبارتی یکی جسم پاک و منزه و دیگری جسم کثیف، یکی مادی و دیگر روحانی جسم مادی را با چشم ظاهری می‌توان دید ولی جسم روحانی را جز با چشم روحانی یا چشم سوم نمی‌توان دید.

جسم روحانی همراه با جسم مادی خلق می‌شود ولی جسم مادی فنا می‌شود در صورتی که جسم روحانی زنده و باقی است.

اگر آئینه‌ای در دسترس باشد که بتوان هر دو جسم را در آن مشاهده کرد و یا دوربینی باشد که بتوان از هر دو جسم در کنار هم عکس بگیرد، هیچکس نمی‌تواند تشخیص بدهد که کدام یک جسم روحانی و کدام جسم مادی است گویی

در یک زمان از شخصی ۲ عکس گرفته شده باشد.

پس نتیجه می‌گیریم که همزاد همان جسم روحانی یا جسم لطیف و پاک می‌باشد.

همزاد یا جسم روحانی چه کارهایی می‌تواند انجام دهد:

۱ـ همزاد می‌تواند در یک چشم برهم زدن که حتی زمان آن در مغز نمی‌گنجد طی‌الارض نماید و بعبارت دیگر از این سر دنیا به آن سر دنیا رفته و برای شما خبر بیاورد.

در اینجا لازم است که مختصراً اشاره‌ایی داشته باشیم به معراج رسول الله (ص) و رفتن ایشان با جبرائیل به عرش و بازگشت ایشان و قفل درب منزل که هنوز تکان می‌خورد و فقط یکبار از راست به چپ یا بالعکس حرکت کرده بود.

قضیه نسبیت انیشتین این مساله را حل کرده و قضیه زمان و مکان برای ما حل می‌شود، همینطور مسالهٔ طی الارض اولیاءالله.

۲ـ همزاد می‌تواند بر بلندترین کوهها و بزرگترین و عمیق‌ترین دریاها و اقیانوسها رفته و در زمانی کوتاه برای ما هر خبر بیاورد.

۳ـ می‌تواند اجسام خیلی سنگین را تکان داده و از جاهای دور برای ما حاضر کند.

این حقیر تصمیم ندارم قطر کتاب را زیاد کنم بهمین دلیل هر جایی که لازم باشد اشاره‌ایی مختصر کرده و از آن می‌گذرم، باید اضافه کنم که این کتاب را نوشته تا با بیانی ساده و عامیانه همهٔ عزیزان بتوانند از این کتاب استفاده برده و دعای خیری برای این حقیر باشد.

باید در نظر داشت که برای انجام عمل تسخیر همزاد بعد از طی تمام ریاضتها و چلّه‌ها باید تمامی این نکات زیر نظر استاد باشد.

اینجاست که باید مقداری در مورد اهرام ثلاثه مصر ، تخت جمشید و مملکت صبا بیاندیشیم، جمشید جم هم، مانند حضرت سلیمان (ع) و وزیرش آصف دارای علم بود، به علوم آسمانی و علم اعداد آشنایی داشت، حتی حیوانات و جانوران به فرمان او بودند، وگذشته از مهارت این علوم می‌توانسته دارای موکل باشد یا همزاد را تسخیر نماید یا جنات به فرمان او باشند.

۴ـ مسائلی که عقل آدمی از حل آن عاجز است می‌تواند براحتی برای عامل حل کند.

۵ـ بیماریهای سخت و لاعلاج را درمان کند.

۶ـ آینده را برای شما روشن کرده و پیشگویی نماید.

۷ـ از گنجهای قدیمی و مخفی شما را آگاه سازد.

۸ـ گمشده را پیدا کند.

۹ـ می‌تواند از دیوار، سنگ، شیشه و ... عبور کند.

۱۰ـ در مقابل حیوانات وحشی و جنگلی، آدمی را نجات داده با آنان مبارزه کند. اگر استفاده از همزاد و تسخیر او برای خدمت به خلق خدا وکارهای نیک باشد هیچ ضرر و زیانی به عامل وارد نکرده، بلکه با عشق و محبت به شما خدمت خواهد کرد، ولی اگر در جهت کار شر و غیرشرعی از او کاری بخواهید دشمن جان شما شده و تباهتان خواهد کرد.

در روزگاران کهن در زمان سلطنت شاه جهان در شهر دهلی یکنفر با مشقت و ریاضت بشکلی توانست همزاد را تسخیر کند بعد از اینکه همزاد را در اختیار خود گرفت به او فرمان میدهد که در تمامی کره زمین جستجو کند و زیباترین دختر روی زمین را برای او بیاورد، همزاد می‌رود و یکی از شاهزاده‌های رومی را که در زیبایی بی‌همتا بود شبانه و زمانی که در خواب ناز بود ربوده و پیش آن مرد در دهلی میآورد و قبل از آنکه سپیده بزند او را باز می‌گرداند، این برنامه

حدود یکماه بهمین منوال می‌گذرد، شبها همزاد شاهزاده را حاضر می‌کرد و قبل از طلوع آفتاب او را باز می‌گرداند، تا اینکه دختر به مرور ضعیف و دچار ناراحتیهای عصبی شده و بیمار می‌گردد، همزاد زمانیکه این مسئله را می‌بیند دلش به رحم آمده و برای او بسیار ناراحت می‌شود و برای رهایی و آزادی دختر فکر می‌کند و به دختر می‌گوید ناراحت نباش من تو را از دست این شیطان صفت رها می‌کنم. مرد هیچوقت ناپاک با همزاد روبرو نمی‌شد و هر زمان دختر پیش او بود به اتاق خود حصار می‌کشید و همزاد بواسطهٔ حصاری که مرد می‌کشید نمی‌توانست وارد اتاق شود، مرد همیشه ظرفی پر از آب را در داخل اتاق خود برای غسل و وضو قرار می‌داد، این بار همزاد زمانیکه مرد غافل بود، ظرف آب را خالی می‌کند، روز بعد زمانیکه مرد از خواب بیدار می‌شود بطرف ظرف آب می‌رود و می‌بیند که ظرف خالیست مجبور می‌شود برای دست‌یابی به آب بدون غسل از حصار خارج شود. به محض اینکه قدم بیرون می‌گذارد همزاد گلویش را گرفته و می‌گوید که امروز کار من تمام میشود، تو دامن عفت و عصمت یک دختر معصوم را لکه‌دار کرده‌ای تو به خلق خدا ظلم می‌کنی بهمین خاطر من نمی‌توانم از تو بگذرم و باید تو را نابود کنم و با یک شئی بر سر مرد می‌کوبد که مغز مرد متلاشی میشود و به جهنم واصل میشود.

پس می‌بایست عاملان عزیز به این موضوع آگاهانه توجه داشته باشند که همزاد از عمل ناشایست خوشش نمی‌آید و اگر از او عمل نادرستی درخواست نمائید باید منتظر عکس‌العملی از جانب او باشید. از این گذشته باید در دل شما خوف از خداوند و عذاب آخرت وجود داشته باشد وگرنه جز تباهی و عذاب آخرت چیزی در انتظار شما نخواهد بود.

علم همزاد:

در عصر حاضر مردم بواسطهٔ نداشتن آگاهی نسبت به علوم قدیمی و ترویج فرهنگ نو و نداشتن بینش صحیح و عدم وجود استادان دلسوز و دانا و همکاری نکردن دست‌اندرکاران، اعتقادی به علوم قدیمی (علوم غریبه یا آسمانی) ندارند، این علوم بواسطهٔ داشتن دشمنان فراوان نه تنها به دلیل غنی بودن و اصالت داشتن از بین نرفته بلکه در طی قرون گذشته، سینه به سینه انتقال یافته.

از برای نامهٔ ما قاصدی در کار نیست کاروان اشک ما منزل به منزل می‌رود

در عالم علوم بیشماری وجود دارد که درست مانند گردش ستارگان زمانی تنزل کرده و در زمانی دیگر ارتقاء پیدا می‌کنند، تمامی علوم که در عالم وجود دارند از علوم آسمانی (علوم الهی) نشئت گرفته‌اند.

خانم لیندا گودمن در کتاب طالع‌بینی خورشیدی نوشته‌اند:

هر چیزی در دنیا قسمتی از قانونی جهانی می‌باشد و طالع‌بینی اساس آن قانون است، دین، پزشکی و ستاره‌شناسی از طالع‌بینی ریشه گرفته‌اند نه بالعکس. یک تابلو از «منطقة البروج» در معبد «تیس» وجود دارد که آنقدر قدیمی است که هرگز به قدمت و اصالت آن پی نبرده‌اند شاید از آتلانتیس باشد ولی متعلق به هر کجا که باشد، آفرینندهٔ آن هرکسی که باشد پیام آن تا ابد ماندگار است:

شما کهکشانهایی بی‌پایان هستید و فقط یک ستاره دیده‌اید. بزرگان علوم و حکمائی چون: ابونصر فارابی، ابوریحان بیرونی، ابوعلی‌سینا و بسیاری از حکما و اندیشمندان تاریخ که در پیشرفت و ترقی علوم مختلفه سعی و تلاش بیدریغی کرده‌اند، اگرچه در میان ما نیستند ولی یادشان همیشه در قلبها و ذهنها جاریست.

حال چطور می‌توانیم بخود اجازه دهیم و به صرف داشتن تکبر و خودخواهی و نداشتن اطلاعات و آگاهی، علم آنان را «آلترناتیوه» بخوانیم.

امپریالیست برای نابود کردن طب سنتی پزشکانی را به چین و هند می‌فرستد تا تحقیقاتی گسترده در این مورد بدست بیاورند.

بعد از گذشت سالیانی نه چندان زیاد در کنار یک سری وقایع و رویدادها آنها خود مجذوب طب سنتی شده و شیفتهٔ آن گردیده، و در بسیاری از موارد آن را مورد استفاده قرار داده و بجای استفاده از داروهای شیمیائی، داروهای گیاهی و سنتی را جایگزین آن کرده‌اند.

مادر طب سنتی، از هیپنوتیزم، روانشناسی، طب سوزنی، مغناطیس نجوم، سنگها و رنگها، گیاهان دارویی و غیره استفاده می‌کنیم که هر یک از اینها خود علمی جداگانه و پیچیده می‌باشد.

بعنوان مثال: از سنگها برای شما به اختصار خواهم گفت و ان‌شاءالله اگر خداوند تبارک و تعالی توفیق دهد در کتابی جداگانه در مورد سنگها و خواص آنها برایتان توضیح خواهم داد.

هر یک از سنگها یا جواهرات، دارای خواص طبی، سحری و مغناطیسی می‌باشند. هزاران سال پیش، از این خواص، عاملین و طبیبان استفاده می‌کردند و خواص آنها را بخوبی می‌شناختند و حتی در طب سنتی از کُشته این سنگها داروهای باارزشی برای علاج بیماریهای گوناگون می‌ساختند و هنوز هم در بعضی نقاط اینکار ادامه دارد، آنها خواص مغناطیسی سنگها را می‌شناختند و آنرا بکار می‌بردند هم اکنون در عصر ما دانشمندان، اشعه ند، بنفش، قرمز، لیزر و غیره را شناسایی و کشف کرده‌اند که از هر یک بطور جداگانه در دانش پزشکی و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در علم نجوم خواص این سنگها برای بروج متفاوت بوده و هر کدام کاری انجام می‌دهند و عاملین با شناخت این خواص در رابطه با برج و ستاره نتیجه لازم را می‌گیرند.

آیا می‌دانید تاجی که پادشاهان قدیم بر سر می‌گذاشتند خود نمونهٔ بارز این حقیقت است، آنان با این تاج که متشکل شده بود از تمامی سنگها و جواهرات قیمتی خود را در مقابل حوادث، بیماریها و دیگر مسائل حفاظت کرده و در عین حال شانس و اقبال و دولت و قدرت خود را با آن چند برابر می‌کردند.

این علوم در مسیر بحرانها و حوادث زیادی قرار گرفته و در اثر فقدان امکانات اقتصادی و آموزشی و همچنین در اثر حوادث و اتفاقات جهانی بمرور تضعیف شدند تا جایی که تبدیل به یک شکل موروثی گشته و آن چهارچوب اصولی و اساسی خود را از دست می‌دهد و به شکل تجربه برای نسلهای بعدی به یادگار می‌ماند.

قصد بنده از درج این مطالب قبول یا عدم قبول چیزی نیست، بلکه آنچه مهم جلوه می‌کند ان است که بیائیم کمی دقیق‌تر بیاندیشیم آیا ابونصرفارابی و ابوعلی سینا (آلترناتیو) بودند یا اینکه فرهنگ غرب با بغض و کینه بجای آنها آمده من نمی‌گویم به یکبار همه چیز را دگرگون کرده و به کناری بیاندازیم و از چیزی استفاده کرده و از دیگری تکنیم، نگران هم نباشید من به بیماران شما کاری ندارم، هر بیماری که شما تشخیص می‌دهید درمانش لاعلاج است اعم از بیماران سرطانی، دیالیزی، ایدز و هر بیماری لاعلاج دیگر به بنده معرفی کرده تا بلکه با نام شفا دهندهٔ یکتا و خواست او برای آنان توانستیم کاری بکنیم. یک پزشک دوازده سال درس می‌خواند تا وارد دانشگاه شود، در دانشگاه پزشکی، دو سال دورهٔ عمومی می‌بیند تا رشته انتخاب نماید و بعد باید پنج سال دیگر در رشته‌ای که انتخاب کرده بکوشد تا تخصص بگیرد، حال این رشته می‌تواند از دهها رشته یکی باشد. ولی عاملین علوم الهی باید که در تمامی رشته‌ها تخصص داشته باشند و بتوانند بیماران خود را درمان کنند.

من فقط یک حرف دارم و آن این است:

بیائید همگی دست در دست هم داده و با وحدت و عشق و محبت برای سعادت نوع بشر بکوشیم.

با مدعی نگوئید اسرار عشق و مستی　　　بگذار تا بمیرد در عین خودپرستی

عمل

حقیقت همزاد این است که هر آدمی دارای دو جسم: ۱ـکثیف یا مادی، ۲ـلطیف یا روحانی می‌باشد، جسم کثیف مرئی و جسم لطیف نامرئی می‌باشد، جسم روحانی را جزء با چشم سوم نمی‌توان دید. (چشم روحانی) همزاد فقط به چشم عامل آمده و عامل می‌تواند او را ببیند، از نظر شکل ظاهری همزاد هیچ فرقی با آدمی ندارد و شکل ظاهری هر آدمی درست شبیه به همزاد می‌باشد و از نظر ظاهری نمی‌توان بین آنها فرقی قائل شد.

«عمل گرفتن همزاد و به اطاعت درآوردن او را «تسخیر همزاد» گویند.»

زمانی که او را دیدید و در مقابل چشمانتان قابل رؤیت شد نباید خود را گم کرده و از او بترسید.

در این کتاب اعمال متفاوتی وجود دارد که شما می‌توانید برطبق قدرت، اعتماد بنفس، و اراده‌ایی که در وجود خود ایجاد کرده‌اید با بکارگیری این اعمال همزاد را به تسخیر خود درآورده تا در موعد مقرر لباس آدمی بر تن کرده برای خدمت حاضر شود و زمانی که حاضر شد برای تمام عمر یا مدت زمانی معین که شما می‌خواهید گوش بفرمان شما خواهد بود.

باید در نظر داشته باشید که این اعمال حتماً زیر نظر استاد یا با اجازه او باشد.

مدت عمل:

هر عمل دارای زمانبندی مشخص و معینی است که باید مد نظر قرار گیرد. بعضی مواقع بعلت کمی قدرت عامل شاید عمل طولانی شود بهمین خاطر اگر دیدید از مدت معین گذشت و به نتیجه نرسیدید و همزاد حاضر نشد، دفعهٔ دوم مجدداً عمل را شروع کنید، چند روزی نخواهد گذشت که همزاد حاضر شده و

تابع می‌گردد در بعضی مواقع اشخاصی هستند که با سه چله هم موفق نمی‌شوند ولی نباید ناامید شوید، زیرا قدرت هر شخصی متفاوت است و به قدرت و صبوری و داشتن آگاهی و درست عمل کردن او نیز بستگی دارد و مطمئن باشید که سرانجام موفقیت با شماست.

هر عاملی اگر تمامی اصول و چارچوب را بدانند و از قدرت درونی و ارادهٔ خوبی هم برخوردار باشد و در اعمالش بی‌عیب و نقص عمل کند بدون شک موفق خواهد بود.

خصوصیات عامل:

هر شخصی می‌تواند عمل تسخیر همزاد را انجام دهد، چه مرد و چه زن به شرط آنکه از سلامت جسم و روح برخوردار باشد و دارای قدرت درونی بالا، ارادهٔ مستحکم و اعتماد بنفس باشد و با صبر و حوصله تصورات خود را تحت کنترل بگیرد. همچنین عامل باید شجاع باشد و اعمال را درست انجام داده و اصول و قوانین را با دقت رعایت نماید.

از چه کارهایی باید پرهیز کرد:

۱ـ باید عمل تسخیر را از همه پوشیده نگاه دارید و در مدتی که مشغول به این عمل می‌باشید نباید برای کسی بازگو شود مگر با اجازهٔ خود همزاد.

۲ـ عامل بر تمام اعمال و رفتار خود کنترل کامل داشته باشد و از اعمالی که باعث تضعیف روحیه و ارادهٔ او می‌شود دوری کند.

۳ـ عدم استفاده از منشیات، گوشت، چیزهای بودار (سیر، پیاز) و بادآور

۴ـ اگر «چله» پرهیز جلالی یا جمالی داشته باشد بهتر است.

۵ـ اگر گرسنه نشده‌اید چیزی نخورید.

زمانی که قرار شما با همزاد تمام می‌شود (و به سختی مطیع می‌گردد، در طول مدت عمل باید با غسل و وضو خود را زینت ببخشید و از جامه‌های ساده و پاک آغشته به عطر و گلاب استفاده نمائید.

عامل باید احساسات و عواطف خود را کنترل کند، احساساتی مانند: حرص و طمع، آز، غضب، غصه، خوف، شهوت، تکبر، حسد، تعصب، انس و الفت ، کینه، جهل، ظلم و تمامی چیزهایی که نشان دهنده عدم تکامل انسان می‌باشد.

مواقع مناسب برای عمل:

عمل تسخیر همزاد به چهار طریقه صورت می‌گیرد:

۱ـ روزی که خورشید پرتو افشانی می‌کند، بیرون رفته و در مکانی مناسب عمل را انجام دهید.

۲ـ شب در مکانی مناسب چراغی نفتی یا روغنی روشن کرده و عمل را انجام دهید.

۳ـ روبروی آئینه نشسته شروع به انجام عمل کنید (روز یا شب فرق نمی‌کند)

۴ـ شب‌ها معمولاً مواقعی که مهتاب نمایان می‌باشد عمل را انجام دهید.

نکاتی که باید حین عمل رعایت شود:

۱ـ عمل را می‌توان هم در اتاق و هم در فضای باز انجام داد بشرط آنکه کسی دیگر به جز شما در آنجا حضور نداشته باشد.

۲ـ به شکلی باید عمل را شروع کنید که در اتاق یا محل مورد نظر کسی حضور نداشته باشد و اتاق مورد نظر به رنگ سفید باشد و حتی‌المقدور از ازدحام

اثاثیه کاسته شود.

۳ـ اگر بیرون از اتاق دست بعمل می‌زنید جایی باشد که آفتاب کاملاً به آنجا بتابد و اگر درخت در آنجاست سایهٔ زیادی در آن قسمت مورد عمل ایجاد نکند.

۴ـ اگر در مکان باز دست بعمل می‌زنید طوری برنامه‌ریزی کنید که در طول مدت عمل کسی به آنجا نیاید و از تابش آفتاب حداکثر استفاده را بنمائید.

۵ـ هنگام انجام عمل در شب فقط از یک چراغ استفاده کنید ولی چراغ دیگری نیز در دسترس باشد تا چنانچه نقصی در چراغ ایجاد شد از دیگری استفاده شود.

۶ـ عمل خود را زمانی شروع کنید که مطابق با شروع ماه قمری باشد و کمترین دوران عمل ده روز باشد.

۷ـ در دوران عمل همیشه به یاد همزاد باشید و به چیزی جز عمل خود و همزاد فکر نکنید. نکته مهم اینکه قصد انجام هر کاری را دارید همزاد را صدا کرده و می‌گوئید: بیا اینکار را انجام دهیم، اگر می‌خواهی غذا بخوری خطاب به همزاد می‌گویی بیا غذا بخوریم اگر خواستی آب بنوشی می‌گویی بیا آب بنوشیم.

هنگامیکه می‌خواهی غذا بخوری قبلاً مقداری غذا برای همزاد کشیده و کنار می‌گذاری و به او هم تعارف می‌کنی و می‌گوئید بخورد.

۸ـ در طول دوران عمل چنانچه صدایی آمد که باعث برهم خوردن تمرکز شما باشد سعی کنید بر خود مسلط شوید و توجهایی نکنید، مثلاً کسی تو را صدا کرد یا فامیل و اهل خانه با تو صحبت کردند، شما باید اصلاً توجه نکنید.

۹ـ یک عامل باید که در دوران عمل به چیزی توجه نکند و با کسی صحبت نکند و به کاری غیر از عمل خود مشغول نشود، حتی اگر هر مسئله‌ایی پیش بیاید نباید توجه کنید و بدانید که هیچ اتفاقی نخواهد افتاد، زیرا همزاد خود

تلاش می‌کند که عمل شما را ناتمام بگذارد شما باید با صبر و شکیبایی از هرگونه ترس و نگرانی دوری کنید و برای ایجاد امنیت و آرامش درونی آیات شریفهٔ قرآن را تلاوت کنید.

نکاتی که باید رعایت شود:

۱ـ

۲ـ اگر عمل را در زمان تابش نور خورشید شروع می‌کنید باید توجه داشته باشید که خورشید کاملاً نمایان باشد و هوا ابری نباشد در غیر اینصورت عمل ضایع شده و باید عمل را مجدداً شروع کنید.

۳ـ هر زمان که همزاد حاضر شد شما اصلاً او را صدا نکنید و با او صحبت نکنید، مطمئن باشید که او با شما شروع به صحبت خواهد کرد.

۴ـ هنگام صحبت با همزاد باید کاملاً خونسرد باشید و در حین پاسخگویی به سؤالات همزاد نهایت صبر و حوصله را حفظ کنید.

۵ـ چنانچه در دوران عمل همزاد با شما شروع به گفتگو کرد، خطاب به او می‌گوئید: که تا آخر عمل صبر کند، ولی اگر «چلّه» دوم بود همان روزی که با شما صحبت کرده عمل را خاتمه داده و قرار و علت ملاقات خودتان را با او می‌گذارید و مشخص می‌کنید که چه می‌خواهید و برای چه مدتی طالبید که همزاد به فرمان شما باشد.

۶ـ باید در نظر داشته باشید که هرگز از همزاد تقاضای کار ناشایست نکنید در غیراینصورت دشمن جانتان خواهد شد و هلاکتان خواهد کرد.

۷ـ در روز اول در هر مکان و زمانی که مشغول عمل شده‌اید در روزهای

آینده نیز همان کارها را در همان مکان و زمان معین دنبال کنید.

استقلال - اراده و صبر:

سعی کنید با استقلال کامل و نهایت اراده و صبر این اعمال را انجام دهید و بر عمل تسلط کامل داشته باشید، چنانچه بنا به دلایلی مشکلی پیش آمد که موفق به این کار نشدید از این موضوع ناراحت نشوید بلکه صبر پیشه کنید و به این کار تشدید از این موضوع ناراحت نشوید بلکه صبر پیشه کنید و به این که شما می توانید همزاد را تسخیر نمائید ایمان داشته باشید.

ایمان، اراده و صبر قدرتهای فوق‌العاده‌ایست که شما می‌توانید با مسلح شدن به هر یک از آنها بر بسیاری از مشکلات فائق آئید و کرسی موفقیت و پیروزی را از آن خود نمائید.

بعضی مواقع طول خواهد کشید که شما موفق به مشاهده شوید، در چنین مواقعی باید که استقلال و صبر و حوصله داشته باشید و ناامید نشوید.

بعضی از عاملان بار اول و دوم شاید هم بار سوم موفق به مشاهده و تسخیر نشوند، یا کسانی هم شاید چندین بار در چله‌های دو ماهه و سه ماهه موفق نشوند، اینجاست که باید ناامید نشوید و در دل شما بد اعتقادی پیش نیاید مطمئن باشید که با ایمان و اراده و صبر و حوصله موفق خواهید شد، قدرت درونی و جسمی و طبع و فطرت آدمی متفاوت است، بعضی زود و بعضی دیر به نتیجه خواهند رسید اما با صبر و حوصله و استقامت کامیابی از آن شماست.

انواع همزاد: «همزاد دارای چهار نوع است»

۱ـ *همزاد آتشی*: برای تسخیر این همزاد عمل را در زیر نور خورشید و به وسیله چراغ انجام می‌دهید که با خواندن و ذکر نام حاضر خواهد شد.

۲ـ *همزاد بادی*: در سایه نشسته و به آسمان نگاه کنید و به این شکل می‌توانید او را بگیرید.

۳ـ *همزاد آبی*: در این مورد، کنار آب یا روبروی آب نشسته و عمل کنید.

۴ـ *همزاد خاکی*: در این مورد بر روی زمین نشسته و عمل کنید.

هر عاملی که می‌خواهد دست بعمل تسخیر همزاد بزند قبل از هر چیز باید از طبع و عنصر خودآگاهی داشته باشد، این کار را می‌توانید از برجی که متولد شده‌اید دریابید.

عناصر چهارگانه‌ایی که در رابطه با بروج برای ما ملاک هستند عبارتند از:

۱ـ آتش ۲ـ خاک ۳ـ باد ۴ـ آب

بعد از شناخت طبع خود باید بدانیم که طبیعت همزاد هم با ما یکی است یا خیر و طبق طبع همزاد و طبع خود عمل کنیم در اینصورت خیلی زودتر به نتیجه می‌رسیم. چنانچه بر خلاف طبع همزاد عمل کنیم، ممکن است عمل طول کشیده و حتی به ماهها و سالها هم بیانجامد و نتیجهٔ مطلوب حاصل نشود، البته فقط همزاد خاکی از این مستثنی جداست به این ترتیب که هر جور طبعی می‌تواند عمل کرده و به نتیجه برسد. (در مورد همزاد خاکی)

پس اگر طبق اصول و چارچوبی که در این کتاب برایتان ذکر شده عمل کنید مطمئن باشید که موفق خواهید شد، بهمین خاطر بنده عملیات مختلفی را در این کتاب آورده‌ام که شما می‌توانید طبق طبع خود و همزاد از این عملیات استفاده کرده و در کار و عمل خود موفق شوید.

اشکال همزاد:

همزاد به چه شکل و طرحی ظاهر خواهد شد.

اول بنظر مانند بخار خواهد آمد که رنگ تقریباً نیلی دارد، مانند ابری که شکل آن موهوم بنظر خواهد آمد.

هر چه بر عمل خود مسلط و از قدرت بالایی برخوردار باشید این ابر و بخارات متشکل شده و شکل خاصی پیدا خواهد کرد و در آخر درست مانند خود شما در مقابلتان ظاهر خواهد شد.

وصف همزاد:

همزاد با آدمی و در کنار او زندگی می‌کند و در تمامی دوران زندگی همراه آدمی است و بعد از مرگ آدمی زندگی همزاد نیز به پایان رسیده یا تغییر شکل می‌دهد.

عاملان و مرتاضان هندی معتقدند بعد از مرگ آدمی همزاد او نمی‌میرد بلکه شکل اختیار کرده و زنده می‌ماند و در هوا مشغول گشت و گذار خواهد شد. همانطور که قبلاً هم گفته شد همزاد دارای جسم لطیفی است و دورترین راهها را در مدت زمان کوتاهی طی کرده و می‌تواند برای ما خبر بیاورد. همچنین می‌تواند از نقاط مختلفی چیزی یا شیئی را برای ما بیاورد و یا بین دو نفر ایجاد محبت یا دشمنی کند و بسیاری از کارهایی که آدم معمولی از انجام دادن آنها عاجز است.

کار همزاد:

۱ـ هر کاری هر چقدر سخت و مشکل هم که باشد و بنظر غیرممکن، همزاد انجام داده و هیچ اعتراضی نمی‌کند.

۲ـ از راههای دور و دراز خبری آوردن، همچنین انجام دادن کاری در

مدت زمان بسیار کوتاه و سپس برگشتن نزد ما.

۳ـ چیزهایی که مربوط به فصلی دیگر باشد برای شما تهیه کرده و بیاورد مانند: گل یا میوه

۴ـ بین دو نفر محبت و یا دشمنی ایجاد کند به هر شکلی که شما حکم کنید همان کار را انجام خواهد داد.

۵ـ از جایی نقشه یا عکس برداشته برای شما بیاورد.

۶ـ شخص و یا هر چیز گمشده را پیدا می‌کند.

۷ـ نشان دادن دفینه‌های مخفی و قدیمی.

۸ـ هر بیماری لاعلاجی را تشخیص داده و می‌تواند علاج نماید.

۹ـ از گذشته هر چه بخواهید برایتان خواهد گفت.

۱۰ـ از آینده می‌تواند شما را آگاه سازد.

خطرات همزاد:

باید در نظر داشته باشید که طبق قراری که با همزاد می‌گذارید به او فرمان داده و طلب چیزی نمائید، باید طبیعت او را شناخته و برطبق آن از او درخواست کاری بکنید، باید سعی کنید از او درخواست کار ناشایست نکنید، او سعی می‌کند شما را از انجام آن کار منع نماید و بهتر این است که شما از انجام آن منصرف شوید، زیرا در غیر اینصورت او پشیمان شده و غصه می‌خورد و عذاب می‌کشد. بهمین دلیل باید بدانید که همزاد به شما ضرر زده و این ضرر قابل جبران نخواهد بود بعضی از اسرار و رازها هستند که همزاد از بیان آن به شما امتناع می‌کند پس او را مجبور به این کار نکنید زیرا ممکن است به شما حمله کرده و هلاکتان کند. باید با او طرح دوستی بریزید و از در عشق و علاقه به او نزدیک شوید در این صورت او هر چیزی را برایتان بازگو خواهد کرد و شما را از گذشته و آینده و حوادثی که در

شرف انجام می‌باشد آگاه خواهد ساخت، پس خلوص نیت و پاکدامنی را هرگز فراموش نکنید.

فطرت همزاد:

بعضی از همزادها مطابق با طبیعتشان می‌خواهند همیشه مشغول انجام کاری باشند تا بوسیله آن خود را سرگرم کنند. پس باید همیشه کاری برای آنها تدارک ببینید و چنانچه کاری نبود می‌توانید یک اسم به او داده و بگوئید نشسته و آن اسم را ورد کند. بعضی از همزادها فطرتاً سرسخت هستند و برخی آدمی را ناراحت می‌کنند و دسته‌ای شوخ طبع بوده و آدمی را می‌ترسانند و از این وضع لذت می‌برند. تمام این مواردی که ذکر شد بستگی به برخورد و عملکرد شخص دارد و اینکه در مقابله با همزاد از چه رویه‌ایی استفاده کنید.

عمل تکمیل نشده:

اگر شما عمل را کامل به انجام نرسانید، طوری که همزاد حاضر شود ولی نتوانید او را تسخیر نمائید و یا اینکه حاضر شده ولی همکاری و فرمانبرداری نکند، در چنین مواقعی ممکن است همزاد عامل را ناراحت کرده و یا با حرفهای ترسناک و حرکات خوفناک او را بترساند. در چنین مواقعی هر عامل معمولی که با این مسائل آشنائی کامل ندارد دچار ترس و وحشت خواهد شد و از ادامه عمل خودداری خواهد کرد.

علاج این کار در این است که ترس و وحشت را از خود دور کنید و با صبر و حوصله و اراده و اعتماد بنفس سعی در تسخیر همزاد داشته باشید.

همچنین مواقعی پیش می‌آید که بعلت کامل نبودن عمل توسط عامل، همزاد حاضر می‌شود ولی بر عامل ظاهر نمی‌گردد و فقط حس می‌کنید کس دیگر

بجز شما نیز حضور دارد، در چنین مواقعی باید سعی کنید یا عمل را بطور کامل و صحیح دنبال کنید و یا در صورت عدم موفقیت عمل را خاتمه دهید، در این زمان شما احساس می‌کنید که به سختی نفس می‌کشید، عمل را قطع کنید و در نوبت دیگری دست به عمل بزنید وگرنه بیمار و ضعیف خواهید شد.

طریقهٔ صحیح تسخیر:

تا زمانیکه عمل شما کامل نشده یا همزاد شروع به صحبت نکنید، حتی اگر او با شما صحبت کرد و چیزی خواست و یا چیزی آورد که باعث تکمیل عمل شما نشود با او صحبت نکنید و بگذارید عملتان کاملاً تمام شود.

بعد از اینکه عامل عمل خود را به اتمام رسانید و همزاد هم حاضر بود اول شما صحبت نکنید و اجازه دهید که همزاد شروع به صحبت نماید.

بعضی مواقع اتفاق می‌افتد که یکروز هم می‌گذرد او از صحبت کردن امتناع می‌کند، در این گونه مواقع هم باید شما صحبت نکنید بکار خود مشغول باشید یا بطرف راست خانه بنشینید یا در جایی که می‌خوابید.

بالاخره همزاد با شما صحبت خواهد کرد و شما باید در نهایت هوشیاری وآگاهی با او صحبت کنید او از شما می‌پرسد:

همزاد: - برای چه مرا صدا کردی؟

- شما می‌گوئید: می‌خواهم تو را تسخیر کنم.

همزاد: - هدف تو از تسخیر من چیست؟

- شما می‌گوئید: می‌خواهم در تمام کارها و اقدامم از تو کمک و مشورت بگیرم.

در این موقع او شروع می‌کند و شرایط خود را برای شما تشریح می‌کند و با شما قرار می‌گذارد. در این موقع باید در نهایت آگاهی و هوشیاری عمل کنید و قرار

با او نگذارید مگر اینکه از عهدهٔ آن برآئید، چنانچه در مقابل تقاضای همزاد خود را عاجز دانستید، بگوئید من از عهدهٔ آن بر نمی‌آیم شرط بعدی را بگو، باید کاملاً هوشیار باشید ممکن است همزاد جواب دهد پس من می‌روم و حتی ممکن است بلند شده که برود ولی اینکار را نمی‌کند، پس حواستان باشد اگر شرطی با او گذاشتید باید از عهدهٔ آن برآئید، حتی برای تمام عمر و تسخیر این شرط امکان ندارد.

مثلاً: همزاد می‌گوید: هر زمان من گرسنه شدم باید فوراً به من غذا بدهی.

- همیشه باید پاک باشی.

- فلان چیز را نباید اصلاً بخوری.

- همیشه باید ناپاک باشی.

پس هیچیک از اینها برای شما میسر نیست و باید کاملاً هوشیار و آگاه باشید. بعد نوبت شماست که باید با او قرار گذاشته و شرایط خود را باو بگوئید.

- اینکه تا چه مدت زمانی می‌خواهید که همزاد در اختیار شما باشد تمام عمر، ده سال، پنج سال، یا کمتر، توجه داشته باشید که مدت زمان باید مشخص شود.

- دوم اینکه به او بگوئید تا زمانیکه تو را صدا نکرده‌ام نباید حاضر شوی، و در موقع آرامش و خواب نباید مرا اذیت کنی و تأکید می‌کنید که هر وقت فلان اسم یا فلان آیهٔ شریفه را تلاوت کردم حاضر می‌شوی.

پس توجه داشته باشید که آسایش و امنیت شما در گرو انجام این شرایط است در غیر اینصورت همزاد زندگی را به شما تلخ خواهد کرد.

اگر دیدید که زمانی به سختی می‌آید یا به سختی کاری انجام می‌دهد این را بدانید او از شما و جسم لطیف شماست و شما با خواست خود، او را پیدا کرده‌اید، پس می‌توانید به او حکم کنید و با او دوستی نمائید و یا رضایت او و هر زمان که

شما بخواهید او خواهد آمد.

کسانی که نباید به عمل تسخیر همزاد دست بزنند:

۱ـ زن باردار باید از عمل تسخیر همزاد خودداری کند، همچنین مواقعی که در عادت ماهانه بسر می‌برد، بهترین مواقع برای عمل بعد از عادت و پاک شدن می‌باشد.

۲ـ اشخاص بیمار، و کسانی که تندرستی آنها به دلایلی دچار مشکل می‌باشد.

۳ـ کسانی که بیماری دماغی داشته و دارای اعصاب ضعیفی می‌باشند.

۴ـ شخصی دست و پاهایش درد و ناراحتی داشته باشد.

۵ـ کسانی که سابقهٔ سکته یا صرع دارند و بهبودی آنها کاملاً حاصل نشده.

۶ـ اشخاص مبتلا به بواسیر

۷ـ کسانی که دچار بیماریهای چشمی می‌باشند.

۸ـ اشخاصی که نمی‌توانند جلوی هوی و هوس و لذات و شهوت را بگیرند، زیرا در دوران عمل باید کاملاً پرهیزگار باشند.

آزادی همزاد:

اگر برای همزاد وقتی مقرر کرده باشید بعد از موعد مقرر خودبخود آزاد خواهد شد. بعضی از علماء و حکماء بر این باورند که مرگ همزاد همزمان با مرگ آدمیست.

در صورتی که مرتاضان هندی بر این باورند که همزاد نمی‌میرد. بنده در این مورد نظر خاصی ندارم که عرضه نمایم. فقط یکبار از موکل سوال کردم که سکوت کرده، البته سکوت موکل خود دو حالت دارد اول اینکه اطلاعی ندارد، دوم اینکه اجازه بیان آن را ندارد.

لهذا از بعضی‌ها شنیده‌ام، زمانی که شخص می‌میرد چنانچه همزاد آزاد شده باشد به نعش حمله کرده و نعش را خراب می‌کند البته من به این قضیه یقین ندارم ولی آنچه مهم جلوه می‌کند این است که لازم می‌آید قبل از مرگ همزاد آزاد شود. چنانچه دیدید و احساس کردید که زمان مرگ شما فرا رسیده و همزاد آزاد نشده و نمی‌توانید برای آزادی او عمل نمائید به او بگوئید: نام «اللّه» را ذکر کن تا خداوند مرا ببخشد و روح مرا عذاب ندهد.

بعضاً ممکن است پیش بیاید که علی‌رغم اینکه عاملی همزاد را آزاد می‌کند همزاد از او جدا نمی‌شود راه مناسب این است که: بعد از نماز عشاء نام «اللّه الصمد» را یکصد و یکبار ۱۰۱ ذکر کنید، سپس همزاد را صدا کرده و خطاب به او می‌گوئید من این عمل را برای آزادی تو می‌کنم، این عمل را یازده روز پی‌درپی تکرار کنید. روز یازدهم یک ظرف تمیز آماده کنید و مقداری برنج در آن ریخته و دم می‌دهید و عمل را تکرار می‌کنید و به همزاد حکم می‌کنید که از آن بخورد و خطاب به او می‌گوئید من این عمل را برای آزاد تو می‌کنم، از حالا به بعد هر شرطی که با هم داشتیم تمام شد. از این به بعد تو آزادی و من از تو می‌خواهم که در آینده دیگر به سراغ من نیائی تمام قول و قرارهای ما از این لحظه به بعد تمام است.

طریقه کار دادن و تقاضا از همزاد:

پس از تسخیر همزاد طبق تمام اصولی که ذکر شد عمل می‌کنید سعی کنید حاشیه نروید و تقاضای خود را خیلی مختصر و مفید به او بگوئید. بعنوان مثال:

۱ـ فلان شخص فلان جایگاه فلان روز گم شده معلوم کن که او چه شده کجاست و چه حالی دارد.

۲ـ قیمت این چیز را برای من بیاور، یا فلان گل را برای من بخر و بیاور.

۳ـ محبت و عشق مرا در دل فلان زن بیانداز.

۴ـ فلان چیز در فلان جا گم شده، ببین چه شده، کجاست و چه کسی آنرا ربوده؟
۵ـ می‌خواهم به زیارت خانهٔ خدا بروم مرا به آنجا ببر و بعد از زیارت برگردان.
۶ـ فلان شخص چه بیماری دارد؟ علاج او چیست؟ چگونه او را علاج کنم.
۷ـ در فلان کتاب، مسئله یا فرمول یا فلان سؤال را من نفهمیدم این را برای من بگو یا حل کن پس سعی کنید خیلی مختصر و مفید تقاضای خود را به او بگوئید و از تقاضای هر گونه کار ناشایست و ناپسند جداً خودداری نمائید.

اعمالی که باید در دوران چله رعات شود:

۱ـ عدم نزدیکی و مقاربت با همسر
۲ـ عدم صحبت و معاشرت با دیگران
۳ـ عدم استعمال گوشت ، تخم‌مرغ، ماهی
۴ـ عدم استعمال چیزهای بودار مانند: پیاز - سیر و ترب و همچنین چیزهای بادآور.
۵ـ استفاده از غذاهای زود هضم
۶ـ هر روز سر و گردن خود را مالش دهید
۷ـ اگر در شب عمل می‌کنید روز خوب استراحت کنید و گرنه عمل باطل خواهد شد.
۸ـ در زمان «چله» از هرگونه شک و تردید دوری کنید.
۹ـ حفاظ و حصار خود را حتماً کامل کنید تا مسئله‌ایی پیش نیاید.
۱۰ـ در دوران «چله» احتیاجات خود را آماده کنید و در جای خود بگذارید.
۱۱ـ در دوران «چله» از یک لباس ساده و تمیز استفاده کنید.
۱۲ـ با هیچ کس بحث و مجادله نکنید.
۱۳ـ در مواقع بیکاری خود را با مطالعه سرگرم کنید.

همزاد به چه شکلی ظاهر می‌گردد؟

ابتدا آرام‌آرام سایه روشنی بنظر شما می‌آید که از جلو چشمان شما می‌گذرد و بعد از چند روز به شکل بخار یا ابر دیده می‌شود، این بخار یا ابر به مرور متشکل شده و اندام آدمی را بخود می‌گیرد، این شکل یک نور یا روشنایی به همراه دارد تا زمانیکه پلک‌هایتان را به هم نزده یا بجای دیگری نگاه نکنید این شکل در مقابل شما خواهد بود و بعد ناپدید می‌شود و مجدداً ظاهر می‌گردد، زمانیکه ظاهر می‌گردد نگاهتان را به بالای سر خود بیاندازید خواهید دید که نور در بالا هم نمایان است این بخار یا ابر، شکل یک انسان را دارا می‌باشد ولی هنوز صورت او نمایان نیست و تار می‌باشد در این قسمت شما قدمهای اولیه موفقیت را برداشته‌اید، زیرا هر لحظه ممکن است این شکل بصورت یک جسم عادی در مقابل شما ظاهر شده و با شما صحبت نماید، از این لحظه به بعد سعی کنید از صحبت کردن و ملاقات با دیگران جداً خودداری نمائید. تمرکز و حواس خود را بر روی عمل متمرکز کنید و از فکر کردن به مسائل خارجی خودداری کنید. باید مانند عاشقی باشید که منتظر دیدار معشوقه‌اش می‌باشد بعد از گذشت پانزده روز همزاد پیش شما ظاهر خواهد گشت، چه شب باشد چه روز، تاریک باشد یا روشن فرقی نمی‌کند او ظاهر می‌گردد، از لحظه‌ایی که این شکل را دیدید در خواب هم آن را مشاهده خواهید کرد، بدین شکل زمانیکه از خواب بیدار می‌شوید مشاهده خواهید کرد همزاد یا جلوی شما و یا در اطراف قرار دارد.

باید کاملاً هوشیار باشید و به جز او به چیز دیگری فکر نکنید و در این رابطه با هیچ کس صحبتی نکنید و به عمل خود مشغول شوید و تنها به ظاهر شدن او و اینکه می‌خواهد با شما صحبت نماید فکر کنید، و توجه داشته باشید که با او صحبت نکنید تا او خود با شما صحبت کند، برای وادار کردنش به صحبت یکی از اسماء نیکو خداوند یا یک آیهٔ شریفه را تلاوت نمائید، مطمئن باشید که نتیجهٔ

مطلوب حاصل خواهد شد.

اتفاقاتی که ممکن است در دوران عمل پیش بیاید:

در دوران «چله» یا عمل، همزاد به هر شکلی سعی می‌کند مانع موفقیت عامل در تکمیل عمل شود، مثلاً: کاری می‌کند که یکی از دوستان یا آشنایان شما به سراغتان آمده و خبر از حادثه یا واقعه‌ایی بدهد که باعث نگرانی شما بشود و همین امر موجب به هم خوردن عملیات می‌شود، گاهی اوقات خود بشکل آن دوست یا آشنا در آمده و در مقابلتان ظاهر می‌گردد که باعث وحشت شما شده تا مجبور شوید از عملیات دست بکشید. چنانچه در بیرون از خانه دست بعمل بزنید کاری می‌کند که در شما این توهم بوجود آید که الان ممکن است باران و تگرگ ببارد، و شما را مجبور به ترک عملیات کند و بعد متوجه می‌شوید که هیچ اتفاقی نیفتاده. گاهی اوقات هم به شکل هیولا و اشکال ترسناک همراه با صداهای وحشتناک خود را بر شما ظاهر می‌کند که شما را از ادامهٔ عمل باز دارد.

در اینگونه مواقع باید با هوشیاری و شجاعت تمام عمل تسخیر را تکمیل کرده و از چیزی نترسید و اطمینان داشته باشید که هیچ اتفاقی برای شما و اطرافیانتان نخواهد افتاد و شما موفق خواهید شد.

حال برای بهتر روشن شدن مطالب فوق‌الذکر به نقل داستانی از زبان یکی از اساتید بزرگ پاکستان بنام «استاد کاش البرنی» می‌کنم، استاد می‌فرمایند: برای «چله» نشستن و عمل تسخیر یک روز به محل دور افتاده‌ایی در بیابان رفتم و مشغول عمل شدم چند روزی گذشته بود و عمل تقریباً در حال تکمیل شدن بود، ناگهان متوجه یک موش صحرایی که درکناری نشسته بود شدم، در این لحظه یک مار با سرعت بسوی موش رفته و او را نیش زد، موش صدای وحشتناکی از خود درآورد و من مجبور به ترک عمل شدم و بطرف موش رفته و متوجه شدم که موش

سالم است و هیچ اتفاقی رخ نداده و این روشی بود که همزاد برای فریب من بکار برده بود تا مرا از ادامهٔ عملیات تسخیر باز دارد، و من مجبور شدم عمل را از اول شروع کنم.

گاهی اوقات هم اتفاق می‌افتد که با وجود کامل شدن عمل و حضور همزاد او با فریب سعی در آزادکردن خود از دست عامل دارد، به نمونه‌ای که در این مورد برایتان شرح می‌دهم توجه فرمائید:

در حیدرآباد پاکستان شخصی در قبرستان "کچ قلعه" مشغول عمل تسخیر همزاد بود. عامل تقریباً در انجام عمل فوق بود و حدود ۲۱ روز از عمل او می‌گذشت، صبح شده بود و عامل منتظر ظهور همزاد بود، ناگهان در این بین یک مسافر غریبه به همراه مقداری اثاثیه پیش او میآید و از او خواهش می‌کند که ایستگاه قطار را به او نشان دهد از قبرستان تا ایستگاه قطار ۲ الی ۳ کیلومتر فاصله بود در نتیجه عامل مجبور میشود عمل را رها کرده و راه را به مسافر نشان دهد منزل عامل هم نزدیک ایستگاه قطار بود، او رو به مسافر کرده و می‌گوید برویم تا راه به تو نشان دهم چون خود هم می‌خواهم بروم منزل زیرا منزل من هم همان حوالی است.

بعد از مدتی به ایستگاه می‌رسند و عامل به مسافر می‌گوید: ایستگاه آنجاست می‌توانید بروید و خودش هم آمادهٔ رفتن به خانه میشود، مسافر می‌گوید: من بروم، عامل می‌گوید بله بروید مگر دنبال ایستگاه قطار نمی‌گشتی؟ این هم ایستگاه مسافر می‌گوید: بسیار خوب پس با من کاری نداری یعنی من بروم؟ باز عامل می‌گوید بله برو مگر نمی‌خواهی بروی ایستگاه و بعد از مدتی کشمکش و بحث عامل عصبانی شده و رو به مسافر کرده و می‌گوید: عجب آدمهای بی‌ملاحظه‌ایی پیدا می‌شوند، می‌خواستم صواب کرده باشم ولی حالا انگار بدهکار هم شدم، بله آقا برو و دست از سرم بردار و خود را به داخل خانه می‌اندازد و درب

را می‌بندد.

ناگهان بعد از مدتی متوجه میشود که چه اشتباهی مرتکب شده و آن مسافر چه بوده درب را باز کرده و به بیرون می‌آید و هر چه جستجو می‌کند هیچ مسافر و غریبه‌ای را در آن حوالی مشاهده نمی‌کند، بله او متوجه می‌شود که مسافر در واقع خود همزاد بوده که خواسته از این طریق او را فریب داده و اجازهٔ آزادی و رفتن خود را از او گرفته پس عامل باید به تمام مسائلی که امکان دارد رُخ بدهد با هوشیاری و آگاهی برخورد نماید حتی ممکن است اتفاقات تازه‌ایی رخ دهد مهم نیست عامل به چیزی جز عمل خود توجه نداشته باشد.

همزاد برای بازداشتن شما از عمل دست به هر کاری می‌زند و در عین حال بی‌آزار می‌باشد و فقط قصد دارد با فریب شما به عمل شما لطمه وارد سازد پس باید هوشیار باشید و در تکمیل عمل خود شجاعانه برخورد نمائید تا به نتیجهٔ مطلوب برسید.

تسخیر همزاد:

جسم خاکی آدمی که با چشم قابل رؤیت می‌باشد در اصل خانه و مأمن انسان است. این جسم مقید و وابسته است، این جسم آدمی جسم کثیف می‌باشد و جسم لطیف در درون آن است هر کس که به این اصل دست پیدا کند و به حقیقت آن برسد این جسم را دور انداخته از آن بیرون می‌آید.

می‌تواند که بدون هیچ مسئله‌ای هزاران مایل رفته و برگردد از هر مسئله نیک و بدی آگاه گردد. از اسرار و رازها و خبرهای پوشیده مطلع گردد، با همزاد اگر آگاهانه و با دوستی رفتار کنید او فرمانبردار و خیرخواه شماست و شما می‌توانید بهترین نتیجه را از این رابطه گرفته و موفق و کامیاب شوید. انشاءالله

فصل پنجم – اعمال تسخیر همزاد

عمل شمارهٔ ۱ـ شمعی

۱ـ محلی را انتخاب کرده که هیچ کس به جز شما به آنجا رفت و آمد نکند. اگر محل مورد نظر اتاق می‌باشد باید کاملاً تمیز بشود حتی در و دیوارها، مخصوصاً دیوار طرف غربی و طرف قبله.

۲ـ قبل از عمل اتاق کاملاً آفتاب بخورد، اتاق را خوب معطر کنید و در دوران عمل از بُخورات خوشبو استفاده کنید، سپس کاملاً لخت شده و یک لُنگ بدور خود پیچیده و عمل کنید، عمل حتماً باید پشت سر هم انجام شود تا باعث ضرر و زیان نشود.

۳ـ این عمل بایستی حتماً در تاریخ اول ماه قمری شروع شود.

طریقه عمل:

یک چراغ در اتاق روشن کرده و آن را پشت سر خود می‌گذارید و می‌نشینید بشکلی که سایه شما روی دیوار معلوم باشد. سپس به پیشانی سایه خود نگاه می‌کنید، بیشتر از یک ساعت به تصویر خیره شده و کار می‌کنید که سایه درست روی دیوار روبروی شیء قرار گیرد، هر وقت که پلک زدید به بالای سر خود نگاه کنید. در اینزمان متوجه یک نور یا روشنایی بشکل دایره خواهید شد این نور و روشنایی تغییر رنگ داده و به رنگهای مختلف درمی‌آید و در یک لحظه از بین می‌رود و محو میشود و در لحظه‌ای دیگر دوباره ظاهر می‌شود با این حال شما به عمل خود ادامه دهید و فکرتان فقط و فقط در حول و حوش عمل باشد، وحشت نکنید، تصور و نیتتان پاک و خیر باشد و حصار و حفاظ اطراف خود را فراموش نکنید.

عمل شماره ۲ـ آفتابی:

هر کاری که باید انجام دهید و هر چیزی که می‌باید تهیه نمائید تدارک ببینید، سپس غسل کرده و به نیت عمل تسخیر همزاد از خانه بیرون آمده و به محلی که از قبل تعیین کرده‌اید بروید باید هیچکس در آنجا نباشد، بعد از مشخص کردن جای مناسب لباسهایتان را درآورده و از یک لُنگ برای پوشش خود استفاده کنید، مکان مورد نظر باید کاملاً زیر تابش نور خورشید باشد، وقت را طوری تنظیم کنید که ساعت ۱۱ الی ۱۰ صبح عمل را شروع کنید، پشت به آفتاب نشسته طوری که سایه خود را بطور واضح و کامل ببینید خصوصاً سایه سروگردن کاملاً مشخص باشد، به سایه خود خیره شده بعد از گذشت ۳۰ دقیقه به بالای سر خود و آسمان نگاه کنید، بخار یا ابری تیره رنگ در دور می‌بینید دوباره به سایه خود نگاه کنید حدود ۱۵ دقیقه این عمل را ادامه دهید و حدود ۲ دقیقه به بالای سر و آسمان بنگرید، فقط در این فکر باشید که همزاد را تسخیر خواهید کرد و هر لحظه منتظر حضور همزاد باشید.

هر روز که می‌گذرد متوجه خواهید شد که ابر تیره نزدیک‌تر شده و صافتر و روشن‌تر بنظر می‌آید، باید توجه داشته باشید که هر روز سر ساعت مقرر به محل آمده و عمل را برای چند ساعت انجام دهید، این عمل با گذشت ۶ ماه کامل می‌گردد البته ممکن است شما خیلی زودتر از ۶ ماه به نتیجه برسید و همزاد نیز در مقابل شما ظاهر گردد این بستگی به اقتدار و عملکرد شما دارد، توجه داشته باشید در این مورد با هیچکس صحبت نکنید و همچنان به عمل خود ادامه داده و تمرکز و یکسویی با قلب را فراموش نکنید و تنها بفکر همزاد باشید، بعد از مدتی و طی جلسات بعدی خود در آسمان بخار یا ابر را بشکل صورتی می‌بینید و این لحظه‌ای است که ممکن است همزاد در مقابل شما ظاهر گردد و با شما صحبت نماید پس با صبوری عمل را ادامه دهید.

به شما عزیزان توصیه می‌کنم که از درخواست هرگونه عمل ناشایست و ناپسند از (همزاد) جداً خودداری نمائید در غیراینصورت تباهی و عذاب آخرت نصیب شما خواهد شد.

عمل شماره ۳ـ شمعی:

اتاق مناسبی را برای عمل انتخاب کرده و آنرا خوب نظافت کنید، توجه داشته باشید که کف اتاق را به رنگ آبی روشن فرش کنید و در و دیوار آن را نیز با کاغذ آبی رنگ بپوشانید، همانطور که قبلاً هم خاطر نشان شد در این مکان کسی غیر از شما حضور نداشته باشد.

طبق عمل قبلی چراغی مهیا کرده بعد از روشن کردن آنرا پشت سر خود می‌گذارید خود را با شعله چراغ طوری هماهنگ کنید که سایه شما روی دیوار و در مقابل خودتان قرار گیرد، بعد به سایه سر و گردن خود خیره شوید و سعی کنید کاملاً با دقت این عمل را دنبال کنید، بعد از گذشت یکساعت نگاهتان را به طرف چپ انداخته و حدود ۲ دقیقه به همان وضعیت باقی بمانید و در این فکر باشید که همزاد حاضر شده و با شما صحبت می‌کند، هر یک ساعت چند دقیقه به همانجا نگاه کنید، توجه داشته باشید که در هر ۲۴ ساعت ۳ بار این عمل را تکرار کنید. بعد از گذشت یک هفته از اتاق بیرون آمده و نگاهی به آسمان بکنید و در این فاصله نباید با کسی صحبت کنید و مجدداً به اتاق برگردید، چنانچه گرسنه شدید از شیر یا یک غذای ساده استفاده کنید، این عمل را بمدت ۴۰ روز بطور پی‌درپی دنبال کنید و در این مدت سعی کنید با کسی صحبت نکنید حتی در حد یک نگاه، اگر برای شما چیزی آوردند با اشاره صحبت کنید و در دوران عمل بدن شما احتیاج به گرمی دارد سعی کنید از شیر و کره و روغن هر روز استفاده کنید.

هنگام حضور همزاد چه باید بکنیم؟

همانطور که قبلاً هم گفته شد طی دوران عمل کاملاً آرامش و خونسردی خود را حفظ کرده و همه چیز را تحت کنترل خود بگیرید و لحظه‌ای که همزاد بر شما ظاهر گشت نترسید و مطمئن باشید اگر درست عمل کنید هیچ اتفاقی برایتان نخواهد افتاد در غیراینصورت ممکن است به شما آسیب برسد البته بواسطه ترس، همانطور که مستحضر هستید انسان اشرف مخلوقات و جزئی لطیف از خداوند تبارک و تعالی است، هیچ چیز نمی‌تواند به انسان گزند برساند مشروط بر اینکه خداوند را خالق خود بدانیم و بر کلیه اعمال و رفتار و کردار خود تسلط داشته باشیم و سعی کنیم در تمال مسائل روزمره زندگی بی‌عیب و نقص عمل کنیم.

در بعضی از منابع و کتب علمی از همزاد بشکل دیگری یاد شده و همزاد را موجودی خطرناک معرفی کرده‌اند تا جایی که می‌تواند اثرات مخرب و کشنده بر جای بگذارد و باعث اذیت و آزار شخص شود در صورتیکه اینطور نیست و بنده قبلاً موجودیت همزا را دقیقاً تشریح کرده‌ام، همانطور که قبلاً هم گفته شد همزاد جسم لطیف انسان و درست همشکل خود اوست.

و هنگام حضور در مقابل عامل با شکل و شمایل خود عامل ظاهر میشود، آیا این غیرمعقولانه نیست که آدمی از خودش بترسد اگر این چنین باشد پس ما باید هنگام رؤیت عکس خود در آئینه وحشت کنیم.

زمانی‌که‌همزادظاهرمی‌شود به این شکلها با شما صحبت می‌کند:

همزاد: چرا شما مرا احضار کردید؟

عامل – تو را احضار کردم از تو کمک بگیرم و در مورد کارهایم از تو مشورت بگیرم

همزاد: من از این لحظه گوش به فرمان تو هستم، اما شرط دارد.

عامل - با هوشیاری و آگاهی کامل با او برخورد کنید و مراقب باشید که از عهدهٔ شرایط او بربیائید تا دچار ضرر و زیان نشوید.

توجه داشته باشید شرطی که با همزاد می‌گذارید همیشگی است یا تا زمانی است که همزاد در اختیار شماست، شرطی را که برای شما مشخص می‌کند باید از عهدهٔ آن برآئید، پیمان شما همراه با قسم است پس خیلی باید مراقب این موضوع باشید که دچار ضرر و زیان نشوید.

بعضی از همزادها مقداری تند و گستاخ هستند و در زمان تسخیر ممکن است با گستاخی جلو آمده و ظاهر شوند، شما باید با خونسردی و آگاهی عمل نمائید. مواظب باشید که شرط و قرار شما از روی شعور و آگاهی باشد، ممکن است همزاد بشکلی برخورد کند که شما را مجبور به پذیرش شرایط خود کند و چنانچه شما شرایط را نپذیرید او آنجا را ترک کند، یا اینکه عکس‌العمل نشان داده و تظاهر به رفتن می‌کند ولی مطمئن باشید آرام‌آرام نرم شده و به اطاعت از شما درخواهد آمد. بعد از تسخیر همزاد او دوست دارد که همیشه در کنار شما باشد ولی با او قرار بگذارید فقط زمانی که من خواستم و صدایت کردم باید حاضر شوی و لاغیر.

اگر با او درست برخورد کرده و از روی شعور و آگاهی با وی هم پیمان شوید تابع بی‌چون و چرای شما خواهد شد مشروط بر اینکه کاری که از او تقاضا می‌کنید ناشایست و ناپسند نباشد.

یک اعتراض:

هیچکس عیب خود را نمی‌بیند در اینصورت همزاد چگونه عیب خودش را می‌بیند؟ هر کسی در این دنیا بفکر خودش می‌باشد و جانش برایش عزیز است با این وصف کسی راضی به هلاک کردن خودش نیست.

پس چطور ممکن است که جسم لطیف (روحانی) جسم کثیف (مادی) را از بین ببرد، زیرا با نابود کردن جسم کثیف خودش هم فنا خواهد شد. همانطور که قبلاً هم خاطر نشان شد هر آدمی دارای دو جسم لطیف و کثیف می‌باشد، هنگام مرگ روح از جسم خاکی خارج شده و به جایگاه اصلی خود رجعت می‌کند در اصل حقیقت اصلی «روح» می‌باشد و هر دو جسم «کثیف و لطیف» از پرتو این روح زنده می‌باشند، پس در واقع مرگی وجود ندارد و این یک زندگی تازه می‌باشد روح از جسم جدا شده و به جایگاه خود میرود و جسم هم تغییر شکل داده و تجزیه می‌شود. هیچ آدمی نمی‌تواند از اعمال نیک و بد جدا شده و از جزا و پاداش فرار کند.

جسم خاکی در مقابل لذائذ دنیوی و حصول آن با جهالت و ناآگاهی عمل می‌کند به نحوی که چشمان خود را با پارچه‌ایی بسته و در تشخیص نیک و بد عاجز می‌باشد ولی همزاد یا جسم لطیف در اینگونه مواقع درست عمل می‌کند البته او هم چارچوبی دارد و چنانچه زمانی بنا به دلایلی دست به نابودی جسم کثیف بزند در واقع بخاطر خود جسم است که مرتکب معصیت و گناه نشود او در مورد جسم خاکی و روح اطلاع و آگاهی کامل دارد.

قبلاً در مورد مرگ و زندگی همزاد شرح داده‌ام اکنون می‌توانید با استفاده از این مطالب نتیجه بگیرید.

عمل شمارهٔ ۴ـ بلوری

اتاقی را آماده و آنرا خوب نظافت کنید توجه داشته باشید کسی جز شما به آنجا رفت و آمد نکند، یک آئینه قدی مناسب تهیه کنید و بعد از فراهم کردن کلیه لوازم مورد نیاز مشغول عمل شوید، طوری خود را با آئینه هماهنگ کنید که بتوانید کاملاً خود را در آئینه مشاهده کنید و صورت شما بطرف شمال باشد سعی کنید

مسیر نگاه خود را بر روی بینی خود در آئینه متمرکز کنید در این فاصله تنها به فکر تسخیر همزاد باشید و اینکه هر لحظه ممکن است او ظاهر شده و با شما صحبت نماید، این عمل را هر روز بمدت یکساعت انجام داده و سپس به آسمان نگاه کنید. بعد از گذشت ۱۵ روز یک شکل بصورت ابر سفید بر شما نمایان خواهد شد عمل را همچنان دنبال کنید و در این مورد با کسی صحبت نکنید، بعد از گذشت ۳ ماه نیروی شما افزایش چشمگیری خواهد نمود بطوری که دیگران نیز از قدرت شما مطلع خواهند شد.

برای اطمینان بیشتر می‌توانید روز دوشنبه شخصی را در نظر گرفته و خوب به او نگاه کنید سپس به آسمان روکرده، و بعد از مدتی تمام حالات، افکار و رفتار شخص مورد نظر برایتان آشکار خواهد شد.

همینطور می‌توانید بیماریهای لاعلاج را معالجه کرده و به اسرار آنها پی ببرید و این گامی بس بزرگ در راه رسیدن به کمال و ترقی می‌باشد که تنها کسانی می‌توانند در آن گام نهند که خود را تزکیه کرده و از هرگونه ناپاکی و پلیدی برهانند.

عمل شمارهٔ ۵ـ بلوری

این طریقه راحت و آسان و در عین حال بی‌خطر می‌باشد، طریقهٔ عمل بشرح ذیل می‌باشد: اتاق مناسبی را آماده کرده و آن را خوب نظافت کنید، سپس آئینه قدی تهیه و آنرا به دیوار نسب نمائید، روبروی آئینه قرار گرفته به شکل خود و تصویر مقابل خیره شوید، به این ترتیب که هر یک از اعضای بدنتان را تک تک بمدت ۱۵ دقیقه مشاهده نمائید (البته به حالت خیره نگریستن همراه با تمرکز) در حین انجام این اعمال به چیز دیگری فکر نکنید و تنها به همزاد فکر کنید، یک چهار پایه هم در مقابل آئینه قرار داده چشمان خود را بسته و روی آن بنشینید و به این فکر کنید که جان شما از جسم شما بیرون می‌آید و در مغز شما جمع می‌گردد،

چشمان شما بسته است به تصویری که از خود در آئینه دیده‌اید با چشمان بسته برای خود مجسم کنید و در این فکر باشید که هر لحظه همزاد در مقابل شما ظاهر گشته و با شما صحبت خواهد کرد.

حدود یک ساعت این عمل را انجام دهید، شب یا روز فرقی نمی‌کند، بعد از گذشت چند روز می‌توانید این عمل را بدون آئینه نیز انجام دهید و قدرت تمرکز شما ارتقاء پیدا خواهد کرد، اگر این عمل را با رعایت کامل اصول انجام دهید بعد از گذشت ۲۱ روز نتیجهٔ مطلوب حاصل خواهد شد.

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر　　　یادگاری که در این گنبد دوّار بماند

(حافظ)

مرا دیگر از مرگ گریز نیست　　　که مادرم در آستانهٔ درد و تنهایی

از آبگیر زهرآگین هستی

جرعه‌ایی خوراندم

و بر تابوتی که از روغن مار برق زد خواباندم

و مرا دیگر از عشق گریز نیست

که بودن و مرگ را

کامل می‌جویم.

چند راهنمایی لازم:

۱ـ قبل از اینکه دست بعمل بزنید هر چیزی که لازم دارید آماده کنید و شرایط جسمی و روحی خود را کنترل نمائید و با این قصد که عمل را کامل کرده و نتیجه می‌گیرد دست بعمل بزنید وگرنه چنانچه فکر می‌کنید که قادر به تکمیل عمل نبوده و یا وقفه‌ایی در آن ایجاد می‌شود دست بعمل نزنید بهتر است.

۲ـ باید در رابطه با عمل تسخیر همزاد رازدار باشید و با هیچکس صحبتی

نکنید، حتی با دوستان و اقوام، این مسئله مهمی است.

۳ـ عمل را در نهایت صبر و حوصله انجام دهید، اگر برخلاف انتظار چیزی دیدید یا مشکلی پیش آمد از این مسئله ناراحت و ناامید نشوید.

۴ـ باید بر این امر یقین داشته باشید که همزاد را حتماً تسخیر خواهید کرد چونکه یقین، اراده و ایمان احساساتی قدرتمند هستند و آدمی اگر اینطور عمل کند هر مشکلی هر چقدر هم که سخت باشد حل می‌کند.

۵ـ اتاقی برای خود انتخاب و آماده کنید که کسی مزاحم شما نشود و سر و صدایی که ایجاد مشکل کند نباشد و احیاناً کاری هم پیش آمد راحت باشید.

۶ـ در دوران عمل کاملاً پاک باشید از عطر و گلاب برای خود و لباسهایتان استفاده کنید، در اتاق هم از بخورات خوشبو (مشک - عنبر یا لوبان) استفاده کنید.

۷ـ در دوران عمل از گوشت و ماهی و تخم‌مرغ استفاده نکرده و حتی‌المقدور سعی کنید غذایی ساده و زود هضم میل کنید.

۸ـ از هیچ نوع منشیات در دوران عمل استفاده نمی‌کنید حتی توتون و تنباکو.

۹ـ بعضی از اعمال پرهیز جمالی و بعضی پرهیز جلالی دارد، عمل باید زیر نظر استاد و اجازه او باشد.

۱۰ـ سعی کنید که در تمام دوران عمل با صبر و حوصله و ارادهٔ کامل عمل کنید، اگر در کارتان استقلال نداشته باشید نتیجه‌ایی از کارتان نخواهید گرفت بعضی اوقات یک عامل بعد از چند روز به نتیجه می‌رسد، و گاهی اوقات هم یک عامل بعد از گذشت چند ماه چیزی نمی‌بینند، اینجاست که باید ناامید نشوید و با صبر و حوصله و ایمان و اعتقاد سعی کرده و عمل را کامل کنید تا نتیجهٔ دلخواه را بدست آورید.

۱۱ـ روز اول در هر مکان و هر زمانی که عمل را شروع کرده‌اید به ترتیب در روزهای بعد هم سعی کنید در همان مکان و زمان عمل را شروع کنید.

۱۲ـ هر وقت که همزاد ظاهر شد شما با او صحبت نکنید و صبر کنید، او با شما همکلام خواهد شد.

۱۳ـ هرگز از همزاد هیچ کار ناشایست و غیرشرعی درخواست نکنید.

۱۴ـ حفاظت و حصار خود را فراموش نکنید.

از خلاف آمد عادت بطلب کام ، که من   کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

(حافظ)

عمل شمارهٔ ۶ـ برای همزاد آبی

تصمیم دارم یک عمل تجربه شده و معتبر به شما هدیه کنم، این عمل را با پرهیز جلالی انجام دهید این عمل سه چله چهل روزه می‌باشد، عمل را از ساعت ۱۲ شب شروع کرده و تا نماز صبح ادامه دهید.

این عمل را در کنار دریا و جایی که کسی غیر شما در آنجا نباشد انجام دهید،

* در چلهٔ اول بعد از گذشت مدتی احساس خواهید کرد کس دیگری با صورتی پوشیده در کنار شماست، میتوانید سئوالاتی را مطرح کرده و منتظر جواب باشید.

* در چلهٔ دوم دقیق‌تر احساس خواهید کرد که کس دیگری پیش شماست، بنظرتان نمی‌آید ولی شما احساس خواهید کرد که وجود دارد و رفت و آمد می‌کند و جواب سوالات شما را میدهد.

* در چلهٔ سوم باید مراقب باشید و ترس بدلتان راه ندهید، شما صورتهایی را خواهید دید که از مقابلتان خواهند گذشت آنها در حال رفت و آمد

هستند، همزاد حاضر خواهد شد، این عمل را رو به قبله باید انجام دهید و هر سه چله چهل روزه را کامل کنید.

در غیر اینصورت ممکن است غم و غصه بسراغتان بیاید و نتوانید خوب و بد را تشخیص دهید، پس سعی کنید با شعور و آگاهی عمل کنید و عمل را در کنار دریا یا رودخانه انجام دهید.

برای حصار از "آیت‌الکرسی" استفاده کنید و در دوران عمل این جمله را بخوانید:

«اللّه پادشاهست و محمد (ص) است وزیر علی(ع) کاردان دیوان وزیر»

عمل شمارهٔ ۷ـ

برای تسخیر همزاد عملیات فراوانی وجود دارد، بعضی سهل و آسان و برخی مشکل، در کشورهای مختلف مخصوصاً هند و پاکستان با بسیاری از اساتید و بزرگانی که در مورد اینگونه مسائل تحقیق می‌کنند و دارای اطلاعات و تجارب ارزنده‌ایی می‌باشند از نزدیک برخورد داشته و تجربیات هر یک را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به نتایج مطلوبی رسیده‌ام.

هر نوع همزادی را می‌توان تسخیر کرد حتی همزادی که دست به انجام کار ناشایست می‌زند، یا همزاد اشخاص دیگر، حتی همزاد کسی که فوت کرده، اما بنده خود شخصاً هیچیک از این اعمال را تجربه نکرده‌ام و تنها برای آگاهی شما عزیزان خاطرنشان می‌کنم و توصیه می‌کنم شما هم از این اعمال خودداری نمائید زیرا در غیراینصورت خودتان مسئول عواقب آن خواهید بود.

بنظر بنده هر کس قدرت فکری و روحی و درونی بالایی داشته باشد می‌تواند در عمل تسخیر همزاد موفق باشد، زیرا داشتن این دو نیرو پایه و اساس این عمل می‌باشد، راههای مختلفی برای افزایش این نیرو در وجودتان هست که

در ذیل بشرح آن خواهیم پرداخت.

«انتقال فکر و خواندن آنرا «تله‌پاتی» می‌نامند.»

انتقال فکر و بشکلی که افکار خود را به دیگران القاء کرد، و تمام اعمال و رفتار آنها را تحت کنترل خود درآورده تا جایی که مسیر اصلی خود را تغییر داده و در جهت میل و رضایت شما هماهنگ کنند، این روش و بکارگیری آنرا در علم روانشناسی "*T.M*" می‌نامند.

آزمایش:

مکانی را در خیابان یا پارک انتخاب کرده و این عمل را هر روز بمدت یک ساعت انجام دهید، عمل مورد نظر به این شکل است که شخصی را در نظر گرفته و دقیق و با تمرکز تمام افکار خود را به طرف او معطوف سازید و به این بیاندیشید که او دست از کار خود کشیده و به طرف شما بیاید، در حین عمل سعی کنید به چیز دیگری فکر نکنید و از صحبت با دیگران خودداری نمائید و تنها بر عمل خود تمرکز داشته باشید، می‌توانید هر زمان که برایتان ممکن بود این عمل را امتحان کنید هر وقت توانستید این عمل را با موفقیت به اتمام برسانید مطمئن باشید در عمل تسخیر همزاد هم کامیاب خواهید شد.

چنانچه بار اول یا دوم و حتی بیشتر از این عمل، نتیجه نداد، مأیوس نشوید و با صبر و حوصله به دیگر کارها پرداخته و با همین فکر خوابیده و همچنان عمل را پیگیری نمائید و تمرکز داشته باشید تا نتیجه حاصل شود.

«این عمل قسمتی از تمرینات مسمریزم و هیپنوتیزم می‌باشد»

آزمایش دوم:

در پارک یا در ماشین و یا در هر جای مناسب دیگری می‌توانید این تمرین را دنبال کنید. بدین شکل که نگاهتان را از پشت به شخصی دوخته و با تمرکز فکرتان را همراه با امر و نهی انتقال دهید و آنرا در درونتان تکرار کنید و شک و تردید هم نداشته باشید، چنانچه با تمرکز و دقت این عمل را انجام دهید، بعد از چند دقیقه شخص مورد نظر عکس‌العمل نشان داده و آنچه که شما می‌خواهید می‌کند، بعنوان مثال : فکرتان را متمرکز شخصی کرده و به این فکر کنید که او با دستمال خود صورتش را پاک خواهد کرد. با انجام این تمرینات می‌توانید به نتایج مطلوب رسیده و در عمل تسخیر همزاد هم موفق باشید، نکته مهمی که باید خاطر

نشان کرد این است که سعی کنید در حین انجام تمرینات مزاحمتی برای اطرافیان ایجاد نشود.

عمل شمارهٔ ۸ـ مهتابی:

در تاریخ هفتم ماه قمری که هوا کاملاً صاف و مهتابی باشد مکانی را خارج از خانه انتخاب می‌کنید بنحوی که کسی غیر از شما در آنجا نباشد.

وضعیت بدن شما با ماه باید هماهنگی داشته باشد بدین شکل که پشت به قمر (ماه) نشسته طوری که بتوانید سایه خود را در مقابل مشاهده کنید و مراحلی که قبلاً از خاطرتان گذشت دنبال کنید، بعد از مدتی به بالای سرتان رو به آسمان نگاه می‌کنید، در آسمان و در بالای سر خود شاهد سایه‌ایی خواهید شد، به همین ترتیب عمل را هر شب انجام دهید و بعد از یک ساعت به آسمان نگاه کنید، طی انجام این عمل چنانچه تمام مراحل را به نحو احسن دنبال کنید بعد از مدتی سایه را کاملاً واضح و دارای شکل خواهید دید، در این لحظه اگر چشمهای خود را بسته و به همزاد فکر کنید کاملاً واضح شکل خود را خواهید دید (همزاد). عمل را ادامه دهید و بعد از مدتی همزاد حاضر شده و با شما صحبت خواهد کرد.

عمل شمارهٔ ۹ـ یک عزیمت تجربه شده:

عَزَمْتُ عَلَیْکُم یا مَعْشَرَالْجِنِّ وَالْاُنس وَالْأَرْواحِ بِحَقِّ حَضْرَتِ سُلَیْمانْ بنِ داوُد عَلَیْهِ السَّلام اُحْضَرُو اُحْضَرُو اُحْضَرُو آیا قُومَ هَمْزادِ حاضر شو بِحَقِّ یا حَیُّ یا قَیُّومْ بِرَحْمَتِکَ یاأَرْحَمَ الرّاحِمِینْ.

با رعایت تمامی اصول یک مکان مناسب و بسته را انتخاب کرده و توجه داشته باشید که کسی در آنجا حضور نداشته باشد، با پرهیز جلالی و یا پرهیز جمالی بصورت پی‌درپی بمدت چهل روز به «چله» نشسته روزی ۳۱۲۵ مرتبه آیه

فوق را ذکر می‌کنید، همزاد حاضر شده و شروع به گفتگو می‌کند. بطریقهٔ دیگری هم می‌توانید عمل را انجام دهید، بدین صورت که از یک چراغ نفتی یا گازی مناسبی استفاده کرده و آن را در پشت سر خود مستقر کنید. بمدت چهل روز بعد از هر نماز عشاء ۳۸۲ مرتبه آیهٔ فوق را تلاوت کنید در مدت عمل حتماً از بخورات خوشبو استفاده کنید.

یک بطری مناسب هم از قبل مهیا کرده تا زمان حضور همزاد و به اختیار درآوردن او و گذاشتن شرایط، البته بدون در نظر گرفتن زمان معین به او حکم کنید که داخل بطری شود و هر زمان که شما مایل بودید همزاد حاضر شود چنانچه عمل به موفقیت انجامید خاتمه دهید.

عمل شمارهٔ ۱۰:

چلهٔ این عمل ۲۱ روز می‌باشد، بعد از هر نماز عشاء غسل کرده و با بدن پاک آماده شده و یک چراغ مناسب مهیا کرده و آنرا پشت سر خود قرار دهید و طبق اصول قبل عمل کنید و می‌خوانید:

یاتُّومْ هَمْزادی: بِاَذْنَ اللّه تَعالی اَحْضَرُو اَحْضَرُو اَحْضَرُو

و باز می‌توانید این عمل را در یک فضای باز مثال بیابان یا جنگل مناسب بنحوی که رفت و آمدی در آنجا نباشد انجام دهید. وقت مناسب ساعت ۳ الی ۴ بعدازظهر انجام دهید حداقل روزانه یک ساعت این عمل را انجام داده به همزاد فکر کنید و به آسمان نگاه کنید بعد از ۲۱ روز همزاد حاضر شده شروع به صحبت کرده و فرمانبرداری خواهد کرد، تعداد مسئله‌ایی نیست هر چقدر توانستید بخوانید.

عملیات قرآنی همزاد:

از قرآن کریم می‌توانید کمک گرفته و همزاد را دعوت کرده و او را تابع کنید این عمل یک راز است و هر کسی علم آنرا ندارد، بنده ۲ نوع از این اعمال را برای شما تشریح می‌کنم چون بازگو کردن تک‌تک عملیات در این کتاب نمی‌گنجد، تمامی اصول تسخیر همزاد را رعایت کنید ان‌شاءالله نتیجهٔ مطلوب را خواهید گرفت و موفق خواهید شد.

عمل شمارهٔ ۱۱

با رعایت تمامی اصول و پرهیز جلالی یا جمالی یک چلهٔ ۴۱ روزه نشسته هنگام روز بیرون و در جایی که آب باشد به شکلی بنشینید که سایهٔ خود را ببینید، سورهٔ شریفهٔ یاسین از وَنُفِخَ فِی‌الصُّور تا آخر مُحْضَرُونْ را حفظ کرده و روزانه ۱۱۰۰ مرتبه تلاوت می‌کنید هر صد مرتبه که تلاوت کردید می‌خوانید:

اَللّٰهُمَّ اَنَا اَعْظَمُ فَاِنَّه یُذِلُّ یَظاهِرُ و الایاتِ اُنصُرنا یا قَومِ هَمْزادْ

عمل شمارهٔ ۱۲

با رعایت تمام اصول و پرهیز جلالی یا جمالی چله ۴۱ روزه نشسته اتاق مناسبی را از قبل آماده کرده و خوب نظافت می‌کنید و از هرگونه رفت و آمد نیز خودداری نمائید، چراغی را مهیا کرده و آنرا طوری پشت سر خود قرار دهید که بتوانید سایهٔ خود را در مقابلتان ببینید.

سپس خوب تمرکز کرده و به سایهٔ خود خیره شوید و به تسخیر همزاد فکر کنید سپس ۳۷۹ مرتبه می‌خوانید:

قُلْ رَبِّ اَعُوذُبِکَ مِنْ هَمْزاد الشَّیاطِینَ وَ اَعُوذُبِکَ رَبِّ اَنْ یَحْضُرونَ

عمل شمارهٔ ۱۳

طبق عمل شمارهٔ ۱۲ و زمان هبوط قمر از آیهٔ ۴۴ سورهٔ شریفهٔ «فـرقان» استفاده کرده روزانه ۳۱۲۵ مرتبه تلاوت می‌کنید:

اَلَمْ تَرَ اِلی رَبِّکَ کَیْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَ لَوْ شاءَ لَجَعَلَه ساکناً ثُمَّ جَعَلْنَا الشَمسَ عَلَیْهِ دَلیلاً ثُمَّ قَبَضَه اِلَیْنا قَبْضاً یَسیراً

«والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته»